



تذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه (۲۳) تیر ماه ۱۳۴۳

فهرست مطالب :

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- ۲ - مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه اصلاحی ۱۳۴۳ کل کشور .
- ۳ - اعلام تصویب صورت جلسه صبح یکشنبه ۲۱ تیر
- ۴ - بیانات آقای رئیس دائر بابر از تأسف از فوت مرحوم حسین علاء و اجرای يك دقیقه سکوت .
- ۵ - مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه اصلاحی ۱۳۴۳ کل کشور .
- ۶ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس ساعت هفت و پنجاه دقیقه صبح ریاست آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید.

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود (بشرح زیر خوانده شد)
غائبین با اجازه - آقایان:

محدث زاده - امام مراد - د. کتر غنی - مافی - رضوی - بهادری - د. کتر حاتم - میر افضل - اختتامی - د. کتر صاحب قلم - پرویزی - د. کتر پور هاشمی - کشفی - مهندس آراسته - ارسنجانی - د. کتر مصباح زاده - فولادوند - میراد - د. کتر نجیمی - بانو جهانبانی - بانو نفیسی - مهندس آسفی .

غائبین بی اجازه - آقایان:

سپهری - د. کتر حکمت - ابراهیمی - فیضی - د. کتر مدنی - آقایان - محسنی - مهر - بانو دولت شاهی .

غائبین مریض - آقایان :

بوتهری - مهندس ارفع .

رئیس - دراجع بصورت جلسه دفعه قبل نظاری نیست؛ آقای مهندس والا .

مهندس والا - در صحنه شش در موقعیکه مادام راجده قرائت میشد این تذکر لازم بود که این لایحه است صورت میگیرد قبل از تصویب عنوان قانون مفهوم صحیحی نداشته باشد استدعا میکنم در این صورت جلسه جاهائی که کلمه قانون است تبدیل به لایحه بشود .

رئیس - تسبیح میشود نظر دیگری نیست؟ (اظهاری نشد) چون اکثریت نیست تصویب صورت جلسه به بدو کول میشود آقای کبیری .

کبیری - چند فقره شکایت نگارانی رسیده که تقدیم مقام ریاست میکنم امید رسیدگی دارم .

رئیس - آقای مهندس معینی زند .

مهندس معینی زند - چند فقره شکایت از کشاورزان وزارت عین فراه و بلوک همدان رسیده تقدیم مقام محترم ریاست میکنم .

۲- مذاکره در ۳ گزارش کمیسیون بودجه و راجع به بودجه اصلاحی ۱۳۴۴ کل کرد

اولین - وارد دستور میومد، آقای زهتابی فرد تشریف بیاورد.

تغیبات بود - با یکب اجازه از مقام معلم ریاست مجلس شورای ملی بنوبه خود در گذشت شخصیت خدمتگزار مرزبان گن، سیاستمدار ملی مرحوم علامه، راجع نمایندگان محترم و ملت ایران تالیف میگوید (صحیح است) نادوان علامه در لحظات حساس و در روزهای پراش این نقش مؤثری داشت (صحیح است) خوب بخاطر دارم در دوران سیاه پیشواری طبقات متخلفه مردم آذربایجان شرحی بمضای بیست و چند هزار نفر در حکومت پهلوشالی خود پیشواری تهیه کردند و آذربایجان منتشر شد این تلگرافها بیست و چند هزار نفری که در حکومت خود پیشواری تهرانی تنظیم شده و امضاء کنندگان با جان خودشان بمباران فرای کرده بودند و یازده نفر کرامتی کم که این تلگرافها باین امضاء دارد دوره و زمانمداری خود آشوبگران بین المللی تنظیم شده بود و تمام محترمین وقایطه ایامی آنرا امضاء کرده بودند شادروان ملاذاترآ در سازمان ملی متحد اعلام کرد و این بزرگترین بند در دست ملت ایران، برای روشن کردن حقایق بود بنوبه خود بنام آذربایجان ایزد گذشت شادروان علامه که خدات بر چهره ای به این مملکت کرده تأسف و تأثر در عرض شما میکنم (احسن است)، عرض کنم بعرض مبارک کتان گاهی ما با بعضی کلمات و الفاظ و کلمات و امثال و نحو خود می کنیم که با اصطلاحات و تئوری آن نوجوه نمی کنیم مگر اینکه زمان آن را در امتزجه تجارب دیگران که با لغات و اصطلاحات خاساس که از خود بیاد کار میگذارد بنوبه خود کند بنده گاهی کلمه توفیق اجباری را می شنیدم ولی بیاندیشتم توفیق اجباری یعنی چه روزی پیشواری شنیدایش که توفیق بنده عوض شد خود ما همچنین ایشان دادم در وقت متوجه شدیم که این لفظ نکردن بنده روزگرتیکه توفیق اجباری بود برای اینکه روزنامه های عصر که رده، مردم راجع بسفازگاری نمایندگان محترم مطلقاً چیزی نوشته بودند اطلاعات و کیهان شاید راجع به مذاکرات ۶ و ۷ مصلحتین برایشان پیش، شی سر طرقتی بودند بنده متوجه شد که این امر هم موردی بود نداشت جز اینک روزنامه های بومی

از اذکار عامه وحشت دارند حتماً متوجه هستند که مطالب و منطلق مخالفین با بعضی و عناد و کینه و عین الملذات افکار عامه مواجسه است والا بنده غیر از این تصور خود نمیکند خدای متعال دولت و حزب توفیق دولت مترقی و افراد جوان، افرادی که بر چهره نهد و تحول فکری هستند مانع از این خواهند بود که لفظ مخالفین در جرایم منکم خود بنده از این توفیق اجباری جداً متنبه بود و امروز توفیق بنده که بخاطر علمای عامه، موافق با دولت صحبت کنم باری تمهیدیکه کرده ام اگر مسأله های را خوب متوجه نشدم بنام ظاهر مخالف اینچا نظرات خود را عرض بکنم جداً از آقایان، بنام همکار، از همکاران پیشته روزگرتیکه نظر شورنی میخوانم بنامته در برابر اقتضای فراتر بگردیم آیا نظرات نامضی خودم را بنام مخالفت عرض کنم یا اینکه نه، تمهیدیکه کرده ام پشت تریبون قسمی که خود را می بخصوس، به یونقیه اصلی ما که نظارت بردخل و خرچ مملکت است یعنی مجلس تشکیل نمیتود چنانکه متوجه توفیق به خرج و دخل مملکت آیا نظرات ایستبه و شایشانه، بی اثر خود ما عرض کنم بنده واقعاً از شما نظر می خواهم، آنچه لفظی است دولت، خدمتگاهی دارد، اقداماتی کرده است و عناد لجاج در غنای سیاستمدار و مدعیان سیاسی نیست ما می بودیم و بی خود می بودیم و اقتضای دولت کردیم این با من نمیخواهت بود که ما مانع اقدامات دولت فعلی مخالف هستیم این دولت که از خرابی پانده این دولت، دولت ایران است انابه و خصیت ها را بر این اقدامات اقدامی که می کنند بلحاظ اعتدال و عظمت مملکت است چه سیاستمذلفرزهائی تا دانسته و دانداشته که قطعاً ما دستماز هم خیلی لطیف و دقیق است مرتکب شده و یک ما بنده آینه نظرش می آید میگوید این اینکه با نظرها توجه داشته باشد بنده مخالفی را با من نمی ندادم بنده مخالف منویات اصلاح آقایان و مدعیان اقتصاد و اصلاح نیستم و نمیتوان باشم اینرا فقط خواستم بر شما برسانم (احسن است) اما میباید هم راجع به اینست که گاهی بنده می بینم مطالبی که عنوان میشود یعنی از همکاران مثلاً از همکاران مستمر اکثریت کسانی می آید اینجا صحبتگاهی میکنند در تالیف بودت و گاهی اینست که مخالفین دولت در غنای بعضی با بعضی است و کینه باین است که می کنند ما اینجا هم با بعضی

حتمت با هم همکاریم با هم برای هماهنگی کلیه اصلاحات دولت هم گنیمپا اگر بنده اینجا حرفهای گفت افلاحت نباید، انتظار زهمیرد و جوانمردی هم نخواهد بود که نسبت بر قرفای اکثریت با بعضی و کینه با در همین مجلس با جنجال و عصبانیت بر خورید بکنید هیچ اینطور نیست ما حرفهای را به هم نظر متشور است و لازمه همکاری است شأن پارلمان شأن تاریخ و شأن مردم ممالست اینسترا قیاس گنتم که اگر بنده مطلبی عنوان کردم که باب طبع و ذوق یعنی از همکاران من چه در مستسلف چه در مغرور چه در مردم و چه در اکثریت فراتر گرفت مخلص از راهمان مرحمت مدعیان همگی خودشان محروم نگنند ما بنده بنده راجع به یکی در تاتار و زامه راجع به برون زامه راجع به یومیه عصر کیهان و اطلاعات بود چون مردم روی اینها بیشتر حساب میکنند و متأسفانه با خوشبختانه و میچای هم فراموش شد در این چند سال اخیر برای سایر روزنامه ها و نشر و مجبات و میعاد فل فراموش فراموش اینها میبود اینها وضع برای تشریه و زین جزئی ایران نوین که بنده فرست نکرده بود و حوالا نمیدادم در مجلس جای این حرفهاست با بنده بنده وقت انتظار آن را تریبک میگویم و از فرصت استفاده می کنم امیدوارم این جای تشریه به سوره دولتی بکنم بفرستوسم وزیر امور احرار بکنند عرض کنم بنده ضعیف کمیسیون عرایشم و در روزهای دو شنبه در خدمت سروران ارجمند ما جلسهای دارم و این جلسه ما خیلی از جلسه اضای هیأت دولت جانشتر است اینرا اینکه ما تا سرده میومیم مأمور بود که هفت هفتاد بنوبه که تعامل میسدها مردان با بعد بر بنده و نامه و شکیات است جلوی چشم ما میگذارد بگوید که در عرض هفته که در یک جلسه دو شنبه دور هم جمع شویم جداً آنها غیبت می کنند که در برابر اینهمه مستعدین مردم در برابر خرواسته ای عمومی در برابر این منطلق دولتها چه جانی مردم چه جوابی بدهیم گاهی هم در این نامه ها مملتی عنوان میشود که چنانچه ما بنده اگر بنده بنام مخالف اینچا آدم صحبت بکنم اعتراف میکنم خیلی وارد در علم رفن بودیم نوجده است او کوموست و دیگر در گفتار و سیاست کلرم من این تیره و چون اول فن بنده اگر عنوانی میگویم نمانده از عرض است اهل در بودیم میتوان نماینده عنوان بکنند گریز بکوجه چه یزد بنده از این لحاظ خواستم یونقیه خود را در برابر

آن سبل تلگرافهای را و اعتراضات هجمام بدهم و اینکه حالا نمیدانم مذاکرات بود چه بود خنجر طول میکند حالا در گذشته بادم داده گاهی مذاکرات در باره بودجه اگر اشتباه نکنم يك با هم و یکنامه فرخردای طول میکشید این کاسه سابقه دارد بنده نمیدانم مذاکرات راجع این است که نا چند و تا یکی کاسه خود اهدا شد تا ظاهر ام این است که بعد از چند ماه مجلس تعطیل خواهد بود و آقایان بنوبه بر ایشان خواهد بود آقایان شما بنیشتن روزگرتیکه بعد از ده ماه بنوبه خواهد بود و ایشان در دوران سیاه پیشواری طبقات متخلفه مردم آذربایجان شرحی بمضای بیست و چند هزار نفر در حکومت پهلوشالی خود پیشواری تهیه کردند و آذربایجان منتشر شد این تلگرافها بیست و چند هزار نفری که در حکومت خود پیشواری تهرانی تنظیم شده و امضاء کنندگان با جان خودشان بمباران فرای کرده بودند و یازده نفر کرامتی کم که این تلگرافها باین امضاء دارد دوره و زمانمداری خود آشوبگران بین المللی تنظیم شده بود و تمام محترمین وقایطه ایامی آنرا امضاء کرده بودند شادروان ملاذاترآ در سازمان ملی متحد اعلام کرد و این بزرگترین بند در دست ملت ایران، برای روشن کردن حقایق بود بنوبه خود بنام آذربایجان ایزد گذشت شادروان علامه که خدات بر چهره ای به این مملکت کرده تأسف و تأثر در عرض شما میکنم (احسن است)، عرض کنم بعرض مبارک کتان گاهی ما با بعضی کلمات و الفاظ و کلمات و امثال و نحو خود می کنیم که با اصطلاحات و تئوری آن نوجوه نمی کنیم مگر اینکه زمان آن را در امتزجه تجارب دیگران که با لغات و اصطلاحات خاساس که از خود بیاد کار میگذارد بنوبه خود کند بنده گاهی کلمه توفیق اجباری را می شنیدم ولی بیاندیشتم توفیق اجباری یعنی چه روزی پیشواری شنیدایش که توفیق بنده عوض شد خود ما همچنین ایشان دادم در وقت متوجه شدیم که این لفظ نکردن بنده روزگرتیکه توفیق اجباری بود برای اینکه روزنامه های عصر که رده، مردم راجع بسفازگاری نمایندگان محترم مطلقاً چیزی نوشته بودند اطلاعات و کیهان شاید راجع به مذاکرات ۶ و ۷ مصلحتین برایشان پیش، شی سر طرقتی بودند بنده متوجه شد که این امر هم موردی بود نداشت جز اینک روزنامه های بومی

نیکنم جداً متقدم که کارهای هم شده است آقایان نخست وزیر کرم هم عزیزان منبوتان شد این نطق است که آدم بیایید بدبسیهت را منسکر بشود عرض کنم بنده اول مخالفت با دولت نیکنم مخالفت با دولت بیست و پنجم بنده افکار خودم نظر باین مردم را خارج دولت عرض میکنم بنده میانسدم دوران خودچگی و چنگال گذشته میگویم نوی استخوان منگوشور بر نینتواند داشته باشد با جنجال دولت میشود و ادعا خود دولت میشود آورد حلا دیگر آن حرفها و آن بیازنها و آن دورمتولی های گذشته محکوم است (صحیح است این بیانی که میفرمایید است بنده اگر در اینجا دولت خود منسکر کنم واقفاً همیشه در برخورد با ایشان با کمال غنايت و لطف خاصی احساس کرده ام همیشه شرف مندرستی های میمانم و توجیه آنرا ایشان و دوام مخالفت میکنم ولی بنادید بنده مخالف فرموده ایشان نیست منمگر در ایشان تقاضای کردم اگر کرده باشند با بنده با خود با ایشان ارتباط داشته اند بنده میباید با جناب منصور الملک ارتباط داشته ام و منسکر و کوفی در آذربایجان استاندار بودند از ایشان ناراضی بودم آنوقت بنده شرف خلیگی کم بود به لایحه ای که میدیدم که مندرستی من مثل اینست تو می دربار پریش بنده منسکر البته آنوقت بدست من در نشانی جناب آقای منصور الملک آنوقت در تبریز خودم کرده یلی ساخته خیابان منصور دارم ولی خودم دارم دیستان منصور دارم در بیستان منصور دارم (دکتر امین آقای منصور خدمت کرد) جنابید کرم این جنابمالی آذربایجان همیشه داروی بر فرماید از این چیزها بنام منصور در آذربایجان خیلی چیزها دارم کسی منسکر نیست منسکر اقدامات مثبت نمیتوان بشوم حرف نخست وزیر است سندیت دارد جناب آقای نخست وزیر که روزی فرمودند که برای یک چیزی که به بنده داده شود یک روز برای شاکل میکند یعنی یک روزی میدادید بهنا که روزی داری را بخور و یک روز میگذری من کل آن را خلی این بنا جدا باین فرخ پیدا نمیشود خود بنده از آقایان کسان منی کم بنده که قدری منجم یعنی آنطوریکه آقایان متفرقی فکسر میکنند بیستم در روز رحلت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در منزلان بیستم بودم بنده شرف شامش روزی یک بنده نوبتیکم منسکر شامش روزی یک بنا قدم کشیدم که با یخو دروای دیگر هم مال تو بهر

خاعتان در این کلمه های نابولی بایلیاستیک بنیدام از این کلمه هایی که هم قدرناراد و دهانی است کم این مرد شلغز و راهزنی با نواکسه را هم در منزل در مقابل او در میان منزل من برشته فقط دو ساعت آنجا کارکنی بجان عزیزان قبول نکرد بنده منکر این خلیق که بنده اصلاً چرا منکر باشم مگر برنامه ای توسط آقایان بنده خود میدیدم که این آقایان کلمه شلغز و راهزنی گرفت که دو ساعت کارکنی اینک اقتصاد ما رشد پیدا کرده است بنده با اصطلاحات اقتصادی و توسعه اقتصادی آشنائی ندارم این نباید سبب بشود که ما واقعتاً را منکر بشویم این را بنده خواستم بشنوی آقایان برسانم (دکتر رهنوردی - شله زرد منسکر آقایان برسانم) خواستم همه تبارت کنم وهم زیارت شله زرد نفی را یک کلمه میدهند بنده به ایشان سه ساعت دادم یک کلمه برای نفر و دو کلمه زیادتر دادم که تبارت بکنم حضور آقایان عرض کنم که این بدغمه های برای این عرض کردم که اگر بنده در عرایض گاهی از دولت تبریف کردم و گاهی تکذیب کردم این حمل بر تناقض کوفی نبود دست است که بنده معنی بیستم که ناظم قلع خودی قبی است اگر این نهضت نوبهارا این حرفها را می بود ما تازه بدوران سیدستم ما را حال نماند برهان فرمودم بنده میباید همیشه این حرفها را کوشم بر تناقض کوفی نرفتماید که زخامت فرمودم به نعل منسکر هم بیخ ما با دولت لالی تمیزیم ما متقدمیم که اگر چیزی نظر من مانند باید بگویم و یادآور بشوم اگر چیزی دیدم باید خاطر نشان میکنم همین چند روز پیش بنده کتباً جناب آقای منصور عرض بنده ای عرض کردم از تصادف یک عتو وزیرید و جرحه بکمر خدمتگذار یک انسان لایق یک رجل دولتی مورد اطمینان و محبوب یعنی جناب سفاری البته بیستار آفر با بنیاست اینکه استاندار شد حذف میسک (یکی از ما بنده کان - مورد نأف خود رشتناها است) من اسامی کردم موقوفی کرد روزنامه خودم نوشتن و وقتی که ناما بدگان خود رشتنا بر خورد کرد ناراحتی محسوس در سیاهی آنها احساس نمودم و به وقتس درک منحصراً هم عرض می نوشتم ایشان هم اظهار بیخ کورای فرمودند بر گرداندند بنده پیش وقت بنده بر نیاید دولت خرفی برین این بان منسکر خواهد بود که بنده می خواهم تناقض کوفی کنم و حالاً کراجم به

جلسه سفاری اشاره کردم از این مسأله تا باینده تره عرض کنیم که جناب آقای نخست وزیر در بیانان خود آخرین جلسه فرمودند که سایر که با نهیت همگامی نکنند عرض خواهند شد و متأسفانه بعد از دو سه روز تغییراتی در کارها داده شد جناب آقای منصور این را توضیح میدهم که خود جنابمالی این آقایان استفاده از کلمات بیاتوضیح خواهد داد ابتکار برای مردم یوا سوه خواهد کرد چون در آذربایجان دهقان در حاسرین لحظاتی بزرگترین ویر مسئولترین مأموریت را برای اصلاحات ارضی انجام داد و خون از دماغ کسی نیامد البته در آنجا چندین همکاران مجلسی ما مأمورین باقیبالم آرزو کردند از قبیل منسکر زنجانی که چنداً مایل شرف است و منسکر بهبودی همکار اکثریت را عرض میکنم آقای جهانمائی و سایر مأمورین در افکار انتظامی و قوتیهای آذربایجان (دکتر شعیب امین - آذربایجان قوتی ندارد) خدا سلاطین وزیر دار و وزیر کلاوزی وقت یکروز کتو زبان این اصلاحات را از آذربایجان شروع میکنم که در آنجا متجاوزترین مالکین هست این اصطلاح از همان نظر است بنده در همان موقع در اروغ غلیان افکار نوشتم که در اینجا بجا میبینم که لطیفی فرموده آقایان منسکر مصلحتین و چوستان روزی یک بار برس خود میروند و عطف میشوند نوشتن روزنامه که در آذربایجان معلق بر ندارم نوشتن در آذربایجان مردم با انگشتان زمین را جال کرده کرم خاکری در نی آوردن نوشتن که در آذربایجان حتی مثل چند فرسخی و در چندین کلبورتی تهران زدم تدهم نخوتون نمیشود پس این موضوع عنوان مجازات فرموده بنده همین یکمبار بود و سایر اسناداران این البته نوشتم بود که بنده لازم میدانم هم که خدا را بیکر دوستانم برای خدمتگذاران حاصل نشود (نخست وزیر - تمیزیم مأمورین دلیل عدم ریاست نیست) جناب آقای نخست وزیر یکی در موقع فرمودند که گفتند تمیزیم مأمورین دلیل برای این نیست که نکرده ناراضی بنده بود سیاست مملکتی بود به سیاست کلی بوده و نشکر میکنم بنده از آقایان که اهل اودینت اهل فندانان تقاضا میکنم بیکم ایلی که مخالف یک کلمه رفتاری اگر پیدا کرده اند بفرمایند بنده منسکر دو کلمه شد (دکتر علی بابایی - مخالف مشروط) و دکتر رهنوردی - (معرض - مضرغونی منسکر) در حصر

سورت با این توضیح من نزد آقایان ترد مسئولین امر آن مخالفی که تا حالا میکنند نیست ام من مخالف بنده این تقاضا بنده نظریه بنده این لحاظ این است که چرا من متاسب انقلاب امی چرخه فرمودید یک روزی اگر میگویند که زخماتر از تبریز کاندیدا است اگر اینها را بر نارکتار میگویند در بعضی محافل یاد بخندند خود میگویند چرا میروند در بیاضی چون کجا میباید کجا میباید کجا میباید کجا میباید کجا میباید ششای بجای کدامیک از منتقدین نشسته اند حساب کنید محل را در نظر بگیریم محل ملک - دوله - سلطنه در نظر بگیریم البته خود جناب منصور پس منظور الملک هستند چرا ملک و سلطنه و دوله بنده مورد تامل باشد ما هنوز بمسئول الملک متفقیم و به نیتدیه کمال الملک که آثارش زیشت بخت مجلس است متفقیم پس اگر گاهی کلمه دوله و سلطنه و ملک از زبان بنده در میآید بعضی از مغزینش که قصدشان دهن کبش است بگویند هستی که بنده توضیح میدهم که سلطنه و دوله هستند نمیتوانند کاری بکنند اینک اشتباه میکنند اینطور نیست ما دیدیم در روسیه که خود تولستوی اشرف زاده بود اما کتایش فرکسیرس تحول نظمی را در روسیه بوجود آورد و دله بعضی میگویند آقای منصور پس ملک و سلطنه و دوله تا از زور سیدم منسکر فرمودند زیر پای خورده ان کفیده اند این هم اشتباه است خواندید چند روز پیش در روزنامه اطلاعات که یک پس مهال فرمولهای در معجوله ریاضی را حل کرده این جز نبوغ است؟ اگر در سایر ممالک چنین فری باشد مگر بنده بیواسطه دیگری میگردانم؟ اگر کسی فکسر کند که مفسران دوله و سلطنه و ملک و قوا با مقامات بالا میرسد ایمن یک نوع عداوت است از هر بیاضی از هر خوانواده و ربه داری میشود فرایب و باغی پیدا شوند با اینکه برای خود بنده این مورد شده که جناب آقای منصور این نبوغ ارادانند که همه با آن اشتباه نمیشود بولی مثلا اینکه اخیراً ما دیده اخوتشان موهو بخ دارند اخوتشان رئیس سازمان انتشارات سازمان نامه و دوا اخیراً مامور نخست وزیر شده اند مملکت که یک نامه نباید متکی باشد که آنرا به دست کسی تا آنگاه اقدامات مخالفی خلاف از آنها دیدند تخریف بیاباندر اینجا بگویند فرس کبیده ملا

برادر حضرت ایشان در باطن صفتی و بعد می فرس کشید و سوار
استاده کرده بنده مشرف بناموسم و بنده پیوسته شنیدم فقط
شنیدم اما ایشان جواب است آراست و بویته زبان آشنای دارد
اگر هم ترفی کرد و مودان نخستن زورشده باید بنده پیش
خالد شما خواهد گفت که ما این مملکت کسان دیگری را هم
داراگر بر برادر نخستن خودی این مملکت این تاریخ نامی را هم
تزد یک به مملکت سائل خودی است که گاهی در دوازده ماه اجرامی
کنند ایشان که تقصیر تبار ندارند و نخستن زور سر هستند و
ناید پیشرفت کنند یکی از نمایندگان کنده می پردازش
را در بر دوازده گشتی کرد با شوق خوش دیگر ایشان هم مقام
دیگری را کرده اند (یکی از نمایندگان کنده) به سینه ملیات
انتخاب است و راستی باید نام زرقه این را بعرض برسانم
این تشکیلات حزبی و این هم تشکیلاتی جز بی در این سندی های
مربوط با اکثریت جوامعی کنده سندی خلی خالی است اکثر
سندی های خانالی است (خوارج هستند) همه اکثریت هستند
چایشان را عرض میکنم لاف اعلام شود. در آغاز انتخابات
اعلی حضرت همامیون راهی برای نشان دادن فرمودند
در انتخابات بزنان و مردانی رای میدهد که در راه انقلاب
ایران مصمم گردیده است (خاطر همها اگر تجدید بشود بنیست)
توزاری بود و راه ندهند باز شاهنشاه فرمودند با همان روح
توسیع ملی سوسی صندوق راقم فریدم ما نمایندگان کس
که هم ما نمایندگان انقلاب سفید از طرف چنین مردمی
و از طرف چنین الهام بخشی مجلس راه یافته ام ما باید
متوجه باشیم که سرازیم سراز در دوران انقلاب هستیم
سراز در دوران تحولی ما برای خودمان یک نامعدام ما هم
زحمت فروری که در خدمتشان هست اگر مجلس باو ما هم
دو هزار و پانصد تومان میدهد اگر بنده میرزا بنویس
در بانی با حاجی محمد نمازی میرزا بنویس کلماتی هم
بودم بیولو بر فرمایند با ذکان کوچکی می توانست بر یا کنم
از این مبلغ بیشتر در می آوردم با اندازه همین راه مسلماً
بمن میدادند من بنظر اینگونه در خدمت مردم در خدمت
انقلاب و برای تحقق آنک عاید شاهنشاهی داشته باشم و
۱۸ سال است که همیشه خود را سراز این راه مرفعی
کردم تا بوظیفه خود قیام کنم بالاخره از طرف مردم
باین مجلس راه یافته ام ما بیگوئی که ما با بقدم
شمار بودیم تا آن زمان بد که ما منتر مستحقتر و منتر از اکثر
بمن بگوئید آقایان اعضای معتزله حزب مردم

ما در عرض ده ماه سابقین پیمان عمل کرده ام
من نه دورننده را خطب کنید اعتراف کنید که فکر کرده ام
(مهندس صالحی صحیح است) صحیح است انشاء الله متوجه
شخص بنده است بنده شمساً شرمند شدم ما مسامت
آمدی که ده ماه پیش مردی که تا ۲۰ سال قبل بنده بعضی داشت
هر چه با عسکر العمل شد بد شد و ثوابا و من مرتبین و اقلیت
فاسد و حیثت حاکم فاسد مواجه میشد سرفتن از
بازیهای سیاست خارجی تحریکات اعلام داخلی انقلاب
بناهیست ما را تحول فکری ما را تحقق اهداف ملی ما را
نظریات ما را نشانده اند و ما را بعقب انداخته هستند
لایحه اصلاحات ازین دور پیش مجلس داده شد
نمایندگان آن آرا شیرینی بالردم کردند نه تنها اینکار را
کردند بلکه وقاحت و بیشری ما را بجای رسانید که یکی از
بیشترترین قتلواها در لایس ملی به نام تبدیل کردن
ناجولی انقلاب و خواست ترقی شاهنشاه را بگیرند تمام
اینها را با اظهار اظهار شروع شد که شخص شاهنشاه املاک
شخصی خودشان را شروع و به تقسیم کردند که قتلواها و
مرتبین این را رنگ خطر تلقی نمودند (صحیح است) از این
خلی پیش از اینهاست هنوز فرستاد این پیدا نکردیم
که از سوم شهریور تا خالانایاری کهای تاریخ خود را بر نسل
جوان خود را بدین طبقه کثرت و آن تاریخها با باوقر شود خود
بیلارو و پیشانیق گفته شد که شخص شاهنشاه که بیشتر
ملی شدن سمت نفت بود و بسوله چه عواملی و چه دورانی
خود را رامنصر کرد و بالاخره ملت جرم پیشانیق
موش بود بر همه طرفها حایر همه غافلها هر چه غوغا
فایق آمد فرست آن رسید که شاهنشاه به پشتیبانی
واقعی ایران اکثریت محروم اکثریتی که می فهمید که
ناموس و شرف و وجدان تاریخ چیست سنن ملیش چیست
با نگویند همان ملت تمام خائنین داخلی و خارجی را سر چیست
با نگویند (صحیح است) آرزوی ما که در دل داشت و
برنامه ما را که همیشه در فکر خود می پروراند به مرحله
اجراء در آورده تمام نطفه های انکای خود را تکرار میکنم
نطفه های آنکه تا ۲۰ ساله تاریخ سرفتن از اکثریت
قتلواها و مرتبین که در شاهنشاه تمام نطفات انکای
پشتانیق و دوست روی آورده بودند به مملکتی که در نطفات انکای
دست اخلاص دوستی ارادت و سینه باز خودشان را

در اختیار شاهنشاه گذاشتند (صحیح است) اصلاحات
ارشی با اقدامی بود که در تاریخ ۲۰۰۰ ساله کمتر نظیر
داشت ولیکه سابقه نداشت بعلمت باک و فلسفی که این
همیشه ملت پادشاه خود داشت شاهنشاه همیشه متکی به این
بلیقه محروم بوده اند این برای اولین بار بود که در تاریخ
۲۰۰۰ ساله شاهنشاه رژیم سلطنتی مفهومی عالی خود را
نمودار داد ما در گریه بد چنین نداشت فکری هستیم برای ما
کنایات کامابنا بدین نیت است اگر لحظه ای بی مأموریت
تاریخی از جلو چشم ما منقالت شود در بشود ناوایده گرفته
بشود (صحیح است) ما اینجا فقط مأموران نیستیم که
هر چه دولت گفت و مانعاً ما با خوشبختانه هر چه که
عنوان میکند در زوایر ارضی شومای و بی شک ملت مقدس
علاهم بیده شوم خود را کثرت در موارد مختلف با نظر خاص
و با ترتیبی خاص موارد شرف آنرا یاد آور شد
نیت، نیت اصلی است نیت همانطور که شاهنشاه
فرمودند نیت کاذبی نیست که بیکار خوانده شود و بد
نور آنکه بشود اینچنان نیتش است که خدای نکرده
اگر لحظه ای غفلت خود خیر این یاد بر خواهد بود (صحیح
است) اما مسئولیت سنگینی بسپرده در ارباب اراده ملت
خواست خدایست همان آرزوهای کار خود را اگر مدخل قتلواها
و مرتبین و نام و آرزوهای اینچنان را تمام صلاح کرد
دیده شایند و آینه امید بخش در این راه باید راه کدها
همانطور که شاهنشاه فرمودند مصمتر و قاطع و محکمتر
برداشتن خود من نمیتیم . من بنام یک نماینده مجلس
بنام یک فرد برخاسته از اجتماع اعلام جرم محکم مثل
اینکه در رهبری نیتش شبیه کثرت دارد در اندر حیف
است که نود و چون فداکاری کردند اما مثل اینکستی
بغرض میدهد دولتی تشکیل شده است از شخصیت های
که یک قوت خاصی دارند و این بنویسه خود دوری این
قوت خاص خیلی انگلی داشتند برای اینها با نیت منسب
به حیث حاکم کشته نبودند اینها کشته اینها مستان شین ملت
باز نبود خود این مسأله برای مردم امید اید باشد میگرد
خود این مسأله برای مردم دلگرمی میداد من بنویسه خود
یکی از آنها بود که فریفته این حسرت بد شدم اما آینه
خدا کند که این تذکرات از کثرت تو قاتل من باشد و ناامناً
کراهتی شده باشد که موارن ما آنها قده نهدید نیتش با

با کمالی که در وقت شاهنشاه نیتش باشد به نمر امیرسد ، نیت
با کمالی که در وقت شاهنشاه نیتش باشد به نمر امیرسد ، نیت
افزاید که سهم در پیاده کردن این نیت داشته به مقصد
نخواهد رسید (صحیح است) اینها خواست عمومی
است این یاد آوری داخلی و خارج است داخلی و
خارجی که گنیم منظور محصلین خارج است
از چند سال با طرف این را برای خودمان دکای
از چند سال که هر کسی بهر نوعی از انحاء مختصر ایرادی به
سازمانها با دستگاہها و افراد گرفت فوری آنها را در میان
انهاست ناچار امیر و اقایان ارجمند معمول این بود که همان
حاکم ما از زیر کل لطفین خود در انتقاد را در شنی
خاص امیر و آقایان اولین و دوم سندی قدرت خود تلقی می کردند
در سفر اخیرم با اینا لای و سفرهای پیش مجلس بدین من
می آمدند می اندیشه می گفتند می گفتند ما می اندیشیم
حالی کنیم که بابا و آقا الله به پیر به پیغمبر علاقه و شور ما
و اینست که هر دستگی ما از شما مدعیان اصلاح با شکست
بیشتر است ما می گوئید هنوز در ایران باقی است
حکومت می کند می گوئید انقلابی منجر است آقا کهای
بنده منصرف است بنده علشان را می بینم بنده می بینم آلهائی
که در گذشته ما مدعیان از این حرفهای خوب خوب انیزند
بنده بد عمل را می بینم حرف خوب از ذهن همه کس
میشود در آرزو در اعمل خوب می از دست هر کسی نمیشود
کدها می گوئید خوب می بینم می گفتند یک ساله ما در نیت
باشند امدم تهران تا آمدیم تهران دیدیم مأمور کمرک
چندان ما را باز کرد خوب با باز بند کرد وقتی که
می بیند هیچ نیست می گفت خوب آقا شما سه جفت گفت
برای میخواهی چه کنی؟ من گفت من سبخت کشتی را خریدم
برای این میگویم می گفت سبخت زیاد است ولی می خرید
باک جوری راه انداخت یعنی بزبان بی زبانی
ما احساس خجلت نگارند این تشکله این تشکله است باید گفت
جولای این کارها کرده که خودم می آمدیم جلوی فرودگاه
این زانده تا کسی کشند را گرفته آن تا کسی آستین بندوا
گرفته آن را انداخته کسی با آن تا کسی هدوا می کند
که بنده کدام تا کسی سوار بشوم تازه وقتی سوار
شدم کمری ۲۰ دقیقه سیر می کند تا با ساقف
کند سوار کند می گوئید وقتش پیش می پیگورند

خیال اروپائی تشریف دارد و وقت صلح اشکافات را بالا ببرد میگویند مگر فسیاسی است که در حال حاضر با کمال ابرائی به مملکت و تاز به مشرف علاقه دارد تمام این حرفها را تحمل می کند؛ بنابر اینکه یک روز از نوها با ملتیش متحقق میشد و وقتش که می بیند با چار زبان بانتفاه می کند با دستمال هر گونه محرومیت می رود مخالفت بنده از این اعلا محاسن که این مرد به باهنش خود بخواند خبر خیرهای مملکت با اهمیت تطبیق نمیکند مورد رضای بااست همین چند روز پیش شنیدم البته اشکافا شاهنشاهی که مردم جناب وزیر سر بهداری تشریف دارند از شنیدم وزیر بهداری تشریف برده بودند به بیارستان نشاء از آن وقت شنیدم آقای وزیر بهداری که اگر وزیر می بودند خود آن لیبی خود آن قیافه و کراوات و کفش و مقادیر زیادی حلال مشکلات است یعنی خود ما تمام جلوی آدم احترام می کنند و پیش خدمت به آدم تعظیم می کند یا لاف می ایستور خیال می کنند که ایشان یکی از مأمورین عالمی باشند. ایند که با یکی از ایشای بیارستان کار داران مقدارشرا حس می کنند نادمی که از آن در بیاجان غریب شرفی باشد و با آن لیبی مندرسی بیاید بی رود بیارستان شنیدم که به اینها تن وقت می روند، تنه زود البته صورتی نال آتاش رفته بودند و وقتی می بیند که بیستم همه جا مثل خیاان نبیران است علیرت بیارستان، بی بیامه ها، تمام سالن ها تمام اطاق ها درست مثل بیابانهای تهران میباند، آورده و کیف است و هر جا سپردی لجن و اشغال استوار که سروری هم کرده ایم بشود ساعت ۱۰ (دگر سخنوری - آقای زحاک در دیارستان نشاء از اینها سخنان جدید میبازند سخنان قدیم اینطور است) از کتاف در پیش توپاشی می شود جلو گیری کرد البته در کتاف در پشت توپاشی میشود مرض خوبا بود و سر سخنان قدیم می شود مرضی را زیر آفتاب سوزان ردف کرد حق با اقا است کلاما صحیح است عرض کنم مردم از تفکیرات از سازمانها از وزارتخانه ها از ادارات ناراضی هستند بنده خودخواهم اینچنینجا صحیح کنم تمام مطالب بنده شده ۱۲۰

۳ - اعلام تصویب صورت جلسه صبح یکشنبه ۲۳ فروردین

ولیس - راجع بصورت جلسه دفعه گذشته صبح یکشنبه نظری نیست (نظاری نشاء) صورت جلسه تصویب می شود.

۴ - بیان آقای ولیس داور بایر از آثار و تلفات انزلی

مرحوم حسین علاء و اجراء یک دقیقه بگویم - ولیس - بسیار متأسفم در گذشت یکی دیگر از ستانوارهای محترم، آقای حسین علاء را که بعلت علو عرشه بلای دارقانی را بدو روگفتند باستامر حکمران محترم برسان.

مرحوم حسین علاء از خانواده های شریف ولایت قدیمی کنور و از رجال معزز و مجرب و خشننگار از مملکت و دارای شخصیت باارزومتالی و دین اللالی بود. (صحیح است).

قدید سعید دارای ملکات فاضله و سجاویا حمیده و اخلاق پیشندیده بود و عمر خود را با کمال ایگی در درسی و حسنیت در راه خدمت بنهانشانوسیرین گذرانید. (صحیح است).

مرحوم حسین علاء متصدی خدمات مهمه ملی و دولتی و اجتماعی میباشند نمایندگی مجلسین سنا و شورای

ملی، وزارت، سنا، وزارت، نمایندگان دولت شاهنشاهی در سازمان ممالک متحد، نخست وزیر، وزارت دارباز شاهنشاهی، ریاست اسامی، ریاست انجمن آثار ملی، ریاست شورای عالی نگاهداری خیریه، ریاست هیئت امنا، دانشکاه بهنوی و دانشکاه ملی ایران و در تمام این مراحل با سلامت و نرسوا صراحت عقیده و نهایت درستی و خیر خواهی و با کمال شرافت و شهامت در راه خدمت پنهانخانه معلوم و مجریز اینها بوده نمود و از همین نظر همواره در مودلطف و رعایت خاص شاهنشاه محبوس و احترام و تکریم جامعه بود. (صحیح است).

من این میبنداز از طرف خود و عموم همسکریان محترم به نمایندگی کان محترم مجلس سنا و خاندان ممتاز علاء و دوستان قیسمه بدینستل میگویم بجز خاندان ممتاز مستل دارم روح آن مرحوم را غریق تحسین فرموده و به بازماندگان او در بار و داری و خیرگیانی این مصیبت سر جرحیل و اجراء جزای عتایت فرماید.

از نمایندگی کان محترم خواهش میبندای احترام آن مرحوم یک دقیقه در حال قیام سکوت فرمائید. (در این موقع عموم حاضر بیا خاستند و یک دقیقه سکوت کامل برقرار گردید).

ولیس - برای شرکت در تشریح جنازه مرحوم حسین علاء جلسه را بمتوان تقصیر تطویل میبندایم.

یک دقیقه ساعت هشت و نیمه یک دقیقه صبح بدون تقصیر تطویل وساعت ه و سمرع مجدداً تفکیک گردید.

ولیس - آقای زحاک فرید

زحاک فرید - انالله و انالیه راجعون این آخرین سخنمزدگی ما در این یادبود که بعد از ۸۲ سال زندگی اختصار آئین لاجند لحظه پیش در مراسم دو گذشت و شرکت کردیم ۸۲ سال زندگی که بر این دلیلیارده ما سنا جدیدان تاسیس شد و قدر است و بیایدان باز دنیا و این سحنه ها و این آدم و رفتارها برای ما که در دنیا این اندازه آبی و لطفانی زیادگی داریم ما بنه این پند از طرف است که راجع به علو عرشه خود آمده شد و از چند لحظه بعد با چند تن از دیگر کسان که در آنجا بودند گفتند که اینها الله سدسال دیگر) که در پارلمن تفاوت خواهند کرد این دنیا ارزش آرا ندارد که با سلاسل مارا با بویر داد درباری

سندای قدرت تعلق و مداهنه و آلودگی و هزرا رنگی را بیشه خوشامیزم که اگر زندگی است از خدای تعالی گرفتار دارد و متقددا نگری است در و بیات عقیده است از خدای تعالی خواهم که از هر انسانی مسنون بنادد صحبت بر سر این بود که در محیطی خاصه انقلاب به من تفسیر سدا کی سازمانها مملکت خدای نکرده مرکز است باشد در چنین محیطی خواست واقف و هدف ملی تحقق نیباید پایبه مخالفت بر این اساس است که مردم از حکومت انقلابی از جناب نمود که از مدت پیش خود شورا را اداره می کنند با براهی که در ممالک است نظارت بیشتر از در جناب نمود در هم نرسال گذشته که حافظام درست باری کرده باشد برای آغاز سومین سال جمعیت مترقی در محلی که بنده هم دعوت داشتم در آنها اعلام داشتند که ما دو سال است آمادگی خود را برای اصلاح امور مملکت اعلام داشته ایم و امروز فرمودند که سنا کاروی یعنی بعد از دو سال قابلیت مداوم رسیده. است به ۳۰ نفر خوشبختانم روزا که شرایب خدمت ما خیرهای که از طرف حزب در اختیار مطلوبه گذاشته میشود و با بیاناتیکه شخص نخست وزیر و با سایرین ابراد میکنند و یاد بیاناتیکه اخیراً در سمندهج ابراد شد و با در اجتماعی که از خدای تعالی دعوت میشد عیبینتی که مردم سید و در این اجتماعات هم میکنند مریساند که اگر در دو سال عثمان بیسندتفر رسیده در مدت چهار ماه یکدیگر رفتند ای چنان لافند یعنی تان ادا مانده که عقدا تخریب میگویند که اکثریت ملت استقبال عنوت این حزب را پذیرفته اند (نخستوزیر - صحیح است) از تأیید جناب آقای نخست وزیر انتخا سند میکنم جناب نخست وزیر فرمودند صحیح است و معلوم است جناب مرزوزا اکثریت ملت ایران این تفکیک یافته است بنده از این تفکیک میگویم حاجت بیایدانست خلی خلی مشغوم بنده فکر میگویم امید است این اندازه دقیق بنامد که نخست وزیر ملت در در مقام رسمی فرماید که اکثریت ملت ایران عنوت این حزب را پذیرفته اند این معان مننی است که لاف از چند میلیون نفری عنوت این حزب را پذیرفته اند من بنوبه خود واقفم باین نیک میگویم و این خبر سرت بخشیده بود برای سده مملکت ما در بار راه و هدف مشخص را تحت رهبری حزبی جناب نمود میباید و با هموار

بنده حقیقم که تا امروز توفیق عنایت این حزب بدینا بد نگردام بیش از پیش هدايتشوم و خداوند مدد عا هدايت ميکند (الله شاه) در گذشته خیلی ما مدعی بودیم که اکثریت ملت ایران ازادرتکالیات و دوزخ بر سرآزمای سیاسی خودشان متشکل ساخته اند ولی منصفانه در آن همه خاطرهای خوب و بدی بجا نمانده اند و ما بناچاریم که از گذشته نصیب میدان رهبری حزی حاصل شده است اما بنده واقفم برای راه تریف برای آینده ملکات ما باقی چند جناب منصور دانشمندان شرفش کرده که برنامهم برای این است که اصلاحات در محیط فاسد علمی نیت و عهنتو با اینکه اعتراف فرمودند که اکثریت ملت ایران هنوز بر ایران نویسنده (مهندس علمای) عنو نیستند اما ما را که خودشان از این صورت اطلاع کرده اند تمام کارگران و ایستگی خودشان را اعلام داشته اند) اصلاحی که جناب آقای مهندس علمای در بیانات آقای نخست وزیر فرمودند خیلی تشکر میکنم ایشان بادی فرمودند از استقبالی که اکثریت طبقات که طبق خدمت کش طبقه زارع از حزب ایران نویسن فرمودند استقبالیان اینک با پیوسته زرقه و قهقهه شده باشند آن دیگر بنی مربوط نیست و بنده از بیاناتی نظیر اینها بدیدم که در بیان جزئیات باقیم که امروز بیغیر اول نهضت اسبیل ملت ایران است اکثریت مدعی هائی که در گذشته بودیم عرض میسرده منصفانه متذکر آن تکالیات و تکالیات خود است آن تکالیاتی که جناب آقای نخست وزیر در رأی آن است این خیلی بی اصفاتی است مالکانه و کوزه و بر سر هیئت فعلی دولت بخت میکنم این ظلم است این تکالیات بوده هنوز هم شجره های خبیثه بر تنگیان نفوذ دارد (نخست وزیر - خیلی کنسرت) و هنوز هم بر طبق گذشته است هنوز هم عالی حاکم بر زراع است و امیدوارم که انتصاف آید می که باقی مانده از این بزور ملت ایران نخواهد هر که در حکومت فعلی حق دارد که تریب اثری از این شجره های خبیثه باقی بماند هر چه کوچک باشد کشته شود تکرار میکنم که اصلاحات ارضی عملی شود که هر جا ریشه آنها دیده شد کشته شود در گذشته محاکماتی شد که آن محاکمات جنبه جنجالی داشته است و در نتیجه بیلبانی و دوده شد که از آنها نتیجه ای میشود گرفت و درست است این محاکمات بزرگ که در شیر فرسید

اما برای ملت ایران این محاکمات مقفاری تلی بخش بود تا نامزدی جباری جباری که مدعیان و شمشیر گرفت امیدوارم در این دولت محاکماتی محاکماتی که عدل از جلال محاکمات درباره اعمال و بدیهه نیست سال اخیر بلکه عدل را احیا شود و بدین ترتیب که از آن بهره برداری سیاسی شود و بدون تبلیغات انجام گیرد چند نفر باصلاح دراز بودند و چند نفر خوب بخوردند و چند نفر منکم و متکامل میکنند که مردم بدانند که در این ملکات حساب و کتابی هست ما روی نهاده امی سراغ آوریم در گذشته یاد داریم که مرید را متمم کرده به چند میلیارد دویست از جناب زیاد تریز از اول قبض با کف دست می گرفتند که شخص ایشان نوشته اند بله معروف بنده را برای این میلیارد ربال خودت میدانیست میبایستی بوقت حاضر خود در حالی که از افرادی را سراغ داریم که بطلب نیم مقال تریز با چندین سال ممکن است در زندان باشند این بار اگر محاسبات و محاکمات حساب و کتابی دوکار بیاید در جیب باشد امیدوارم مثل گذشته باشد اما امروز از آن محاکمات بزرگ خبری نیست همه آقایان میدانند که در چند سال اخیر در جاده باز ده سال در اولین پایه یعنی سزایان برآمده دوه دره در دوره پیشتر گذاشته دودره سوم و چهارم هر چه کرده آقایان میدانند که در این دوره میلیارد و پونصد خرگ شده ما خیلی ها را سراغ آوریم که با چند ده روز از زمان شکر کرده در مصاحبه و مزایا دویست میلیون تومان برای ما گرفته اند و در صد و ده و صدی ۳۰ تعقیف بکسان دیگری و اگذار کرده و آن کسان دیگر باسیدی دوه دویست بیست تعقیف بکسان دیگر و اگذار کرده در نتیجه میلیارد پولی که کوسیدیم سزایان بر فراغ خسته شده است میتوان گفت بی سرته که توانی برای هزاران دربان آن هزاره رفت و تبدیل به اعصابی چند طبقه و تبدیل به دلار و دلار خرابی شد که ما بخوایم نپوشانیم با انقلاب و قهری در برابر ادیبی و سرسبزیم چه کردیم با بدحجاب هارسی که بی بود با حکومت مدرن حکومت ازین دور دولت خودت میکنند در دست سزایان برآمده بود که خوب خسته شده جناب آقای منصور از سزایان برآمده گرفت و مسئولان و شرفناختین روزی بود که سزایان برآمده خود دولتی مقتدر تر از دولت های وقت بود آن روز خیلی حیف و میل میشد و امروز هم منصفانه خیلی بیعقول

میباشد پس بیروز دوه سفر از آذربایجان هایش بیرون دوه بود آقایان میدانند که آن آذربایجان هم بنایت بر دوه بود و دوه نفر از مقامه کاران پیش بنده بودند معافه کاران میکنند آقا مارا توصیه میکنند بلامعاغه کاران فکر خوشی چند کیلومتر راه با بنفخ صدی پنجاب ما حصول کند مثل این که چوب حراج روی این مملکت زده شده است آقا مارا آذربایجان می آید ۱۱۶۱۱۱ تیسره نوی شکم بوجه میکنند که از اجنبی فرض کنیم و آن فرضش که نوستحشرطه بر اساس مخالفت با فرض تجاریه بوجود آمد آن فرض گمان زهر شکت آون زن رختشو رشتی گفت که آقا مارا چرا فرض میکنی من باید خود خود تومان بشما میدهم در یک شام حاضر نشود چادر و زربهارا بر سر خودان بنده زیاد شا که زن نشیند و فریاد زربهارش را شنید و پول اجنبی تنها باسود صدی پنجاه و هشت است آن اجنبی هم که آمدند با دهمند ۲۲۱۱۱ تیسره مردار من اول فرزندت اما جلور مواقت نامه ها که قرار داده شده منصفانه نیست باید مورد این تصرفها را ما بدینهم ، بهیم ، بدایم در کجا مصرف خواهند شد برای چه فرض میکنم این فرض باید روشن شود (صحیح است) فرض از اجنبی حساب باید داشته شد کتاب باید داشته باشد و موش باید روشن باشد مازن بخت میکنم بدیم بخت میکنم عوامل آن اجنبی تا توانی برمال برای ما خرج کند و توانی را برمال تبدیل به ازبده اجنت (احسن) ما بایتم همین پولهای را که فرض میکنیم در مواردی مصرف کنیم که در آن مملکتها نظر اصوات جورا بدیم نامرک شد شما میفراواند ، میفراواند خرج میکند اما بط ۵۰۰ هزار نفر خرده مالک را میاندارد ، بدحساب دیگر میدانید پس چنی ، مابا همه ماید دستاره و منصفانه رفتار کنیم با مسخران زفر خرده مالاندریم چهار نفر مجبور را کنار بگذارید که چهل تا قولور را کنار بگذارید بیچاره ما را بکنار بگذارید ، ۵۰۰ هزار نفر خرده مالک یعنی سر ما بنیان مملکت یعنی ۵۰۰ هزار نفر مهنی محلی علمای این مملکت ، کنترول این مملکت آنتباه اموران این مملکت بعنوان ملت بجای این اکر میدانید هر دولت مدعی کشید اینها را بکنار بگذارید ، اینها بدیم بدین اطمینان کنید اینها بدیم بدین اطمینان که در این مملکت بکنارید ، ۵۰۰ بهره اگر در اختیار مملکت بکنارید (ا دکتر من زوری) معذرت

میخواهم آید که باشد که نمیتواند زراعت کند بسیار صحیح است با اجازه تودویس خوارم داد صد ندارم همه جای ایران سرا ما است اما سعالتی ساخته زراعت خود در درسیه شان جناب آقای دکتر من زوری اصلا نفر چهارم میدانند در آذربایجان خودمان که از پنج کیلوم است که ۵۰۰ سارات مطالعه می شود و وسیعترین مایه بالا حق مشاوره داده اند و بعد از اینکه سه کیلوم و نیم حق مشاوره دادند گفته اند نظر اقتصادالایست داره صومی ما مطالعه می کنند و این پولها بهمدیروز من الملاح دقیق دارم ملت ایران این زراعت همه بر بنیه امنیت به سبب یگری است نیازمند است شالیان این فرض را برای اینکه بگیریم اگر اشتباه نکنیم نزدیک هشتاد میلیارد ربال پول شد در روستاها خوب بیداست در کامت شالیان پولها با جبر این نیتانند شایب مردم اطمینان قلبی بدید . سفارناز بانک ملی با این وضع اشتناک و آبروریه داد نمان خواهند آمد بینند چقدر پول در جبر سزایان دارم چقدرش در کردوش است و چقدرش در روستاها در زیر مالها و فریاد جلیعانه اینها شد است اگر شایب خواهد با همین سرمایه و با همین نیروی انسانی با امید که در مردم ایجاد میکنند ایضا گذار کنید مطمئن باشید تریازی نیست که در ۱۳۱۰ هر دو صد دراز کنید ، صد فرض دراز کنید (صحیح است) ما با فرض جناب آقای دکتر من زوری شایب منصفان بایشان امداور این ۳۰ سال اخیر از فکر خاطر خوشی ندارم ، امیلحضرت قیدی با پول نقد و مگر با کفرتن یک راک نقدش سر سزایان را و در آن زمان کنید ، آن زامانی که جزه شاهکارهای ستی منشی دایر حقوق شد آرزوی این همه مشاور و این همه استاذان و این همه مستشار خارجی در کنار هر اطاق یک وزیران شادمانی نداشتیم ایضا داشتیم ایمان بودیم نیست بود اعتقاد بود فکر اکار بود به مردم همکاری کردن بود مردم میدانستند متشبه بودند (نخست وزیر - مگر دودره امیلحضرت فعلی هیچ کاری نکرده است) پرورد ساری نکنید میفرمایند جناب آقای نخست وزیر که در دوره امیلحضرت فعلی کاری نکرده نیستند امیلحضرت را مگر در دوره امیلحضرت قیدی اطمینان عمومی بود ؟ اطمینان عمومی بود و الا آن هم اطمینان عمومی بشخص امیلحضرت

همایونی هست ولی متمسک جنباب آقای نخست‌وزیر
گوییست که در عرض ۲۰ سال اخیر بس وضع
حوادث بین‌المللی هم‌راهی بایر نامتعلیل کرد آنها هستند
کاش می‌توان عامه را از دست‌های دولتی منحرف کرده‌اند
آقای نخست‌وزیر جنبابالی آقای موقی که مردم بدین‌درد آن
موقی نخست وزیر در آن جا بود که مورد رعایت شخص‌شاه
است (نخست‌وزیر - همین راننده گنتم) هر وقت جنبابالی
تشریف بریرد در سنجند و عکس ایلحضرت همایونی
را در بالای جراب بگذارد یک مرد دور آن جیب می‌برد و
اما این دلیل بر آن نیست که مردم به حیث حاکمه و
بهر کسی که طبل اصلاحات بزنند پشت سرش بیفتند
(صاحب است) حالا که صحبتی از سنجند میان آمد و مسیر
مسجد است به سنجند رسید لایق میدان از موج احساسات
وطنی سنجند که آنجا پارچه‌های شور می‌گرفته بود
نخست‌وزیر ملک‌نما بتندی شخص‌شاه را در حلقه او محاسر
کردند ، همان مردم غیور آنها بودند که در روزهای سیاه
مردان شجاع ایران بودند ، و بنده از پیش این تریبون
بآنها درود می‌فرستم (احسن) من یک میدان از استامبول
آن‌جا که خدای شاهد است بنده صورت او را دیدم آقای
امین آژاد (الشیخ الاسلامی - مرد وطن پرست شریفی است)
اگر هم دیده باشم بطریق نمیکند از دور و بری آینه بندیش
نیامد است که ایشان را به بینش مردم مجبورم که اسم آقای
امین آژاد را در پیش‌تین تریبون برین مهمت مردم میخوانم جنباب
آقای نماینده سنجند مرد بسیار مدنی است ، البته آن
اجتماع بملط این بود که مردم سنجند امین آژاد را
مرد خدمتگزار خود میشناختند ، خدمتگزار صدیق خود
میشناختند ، خدمتگزار مردم میشناختند مجری نیات
ایلحضرت همایونی میشناختند ، این اجتماع و آن گروه
مستقل بخاطر فردای از نوجوه دولت بود که برای آقای
یک استاندار با شخصیتی گذاشته‌اند و خوشبختانه
جنباب منصور متوجه غم‌ناخ اینان شده‌اند
و شتاب از ایشان ضمن تفکراتی تأیید فرمودند من
سیاسی‌گام حسانا جنباب منصور همیشه معظوظ است اما
کوچکترین اقدام مثبت جنبابالی را بآب طلا حاضرم
بنویسم و در هر محفل بگویم اگر در این جنباب‌شاه
به‌دلگراف جنبابالی به آقای امین آژاد گنتم مگر لزومی
داشت که پیام بگویم جنبابالی از یک فرخ‌مختگزار قدر

دانی فرمود باید مگر لزومی داشت که بنده بنام مخالف
اسم بنویسم و پیام از شما تشکر بکنم که مناری را
با وجود جناب فرستادید شما چه اسرار دارید که اینها
را بجای جنباب بریزید اینها را بحساب سازمان است و بحساب
چندساله ، و بحساب دست‌گام‌های چندساله ، و بحساب
تحرکات اجنبی‌ها بحساب ملی پرستی‌های یک مشت جاه
طلب بریزید آقای وارث یک معروضه شنیدم ما برای شما
بنام یک زن اسم حقیق یادآور می‌کنیم ما این عرضی را که
نخست‌وزیر امین آژاد چهار روزی خراج این مردم این
ملک است بخاطر آسایش آنها است ما عرضی نداریم ما
شخصی که بتدارق اصلا بنده در تمام ایران ۶۶ و ۶۷ نفر
قوبوخوش می‌شناسم بنده نه از شما متافقه میخوانم
نمزمایه و ندهانید لافرضی هستم روزی که آمدن اینجا
گنتم تمام دارائی بنده ۶۰ هزار تومان است و از مغایقه و
تحرکات و این نوع کارها چیزی سرم نینشود و در جواب
گفتن این حرفهای مخالف هیچ چیز توقع ندارم (دکتر
مهورری - ۶۰ هزار تومان دارید) امیومور جنبابالی
هم توفیق حاصل کنید که در نتیجه معلوم ملی حداقل
باین مبلغ برسید برای برای یک نفر دکت مثل شما زیادوی
داشتن صحیح نیست ، مسأله بر سر اینست که ما وقتی از
این اطاق بپیرویم بیرون با مردم مواجهیم مردم
نصور میکنند البته بفظ اکثریت همه حکام
میخواند بکنند خود اینها پیش از ما عمل دروند
برای اینکه ظاهراً نمیدانم چطور شده بفظ در افکار
عمومی رخنه‌است که ممانعت دولت هستیم در صورتی که
فلت از آن توقع خاصی دارند بنده میدانم که در باز
مردان هستند در صورتی که یازم همان ادارات است که به
هم همان وزارت دارائی است (نخست‌وزیر - آن وزارت
دارائی نیست) استثناء هم داشته وزارت دارائی همان وزارت
جنبابالی تصدیق منبرمانید که در ظرف مدت سه‌ماه طاماً
همه وزارت دارائی نتان نینبورد اینها را که
آطور بود که آقای هویدا یک مرتبه ترفیع بیاوردند
آقای هویدا در خدمت بودند در آمدفت در اختیارشان
بوخرج نفت در اختیارشان بود و این‌جا در وزارت دارائی
خرج و دخل ملک در اختیارشان هست قطماً وزارت

دارائی همان نیست و نخست‌وزیر هم همان نیست و اولاً
وهم‌رها به‌عنوان امور و برضی تمام بودجه‌های دولتی‌های
سابق را که به‌جسلس امور و برضی می‌کردند ، بنده البته اصل
فن نیست اما به‌عصایان گذشته که نگاه میکردم میدیدم
آنها هم همین ارقام و همین ستون بندی‌ها را دارند در آنجا
هم همین الفاظ تمام آنجا هم نخست‌وزیر وقت و مدافع
دولت وقت اقلات را بدینجور و حرفهای و لاف می‌کنند
می‌آیند حرفهای می‌زند آینه را بسیار بسیار طلالی
نتان میدارند اما آینه را که باید ما شده است آنچه که
مشود لمس کرد و هر کس جز افکار اقتصادی چیزی
نیست و اگر جز این بود بنده میخوانم آن لغت را بنگار
خبرات بدارند این گمراه آنچنان گمراهی است که
اگر بنده بخوام از جنب همین آقا بان‌وزرا می‌گواهم بنشوند
در بیرون از بیرون فرزند پسر و معلوم ۱۵ فرخان سیکار
و بنشوند در جیب دارند (خنده مانند گان) می‌خواهید
شرط به بتندی آهایی که مدعی‌اند که بنگارند گمراه
باید اضافه دادشود این راهم باید توجه داشته باشند که
افکار عامه متوجه اقلیت است نه از اقلیت در هرسانی
اقلیت سالم است اقلیت صالح وزارت دارائی هست
فرهنگه هست در داد گسری خوشبختانه پیدا می‌شود و در
سایر جاهم هست در این میخوانم یک شهر باطله پیشانی
همه تریب ما بنده هر وقت که میخوانم بروم آبادان
درستمان از بنده می‌خوانند که یک جای‌های آهایی یا یاروم
معلوم می‌شود که جای‌ها قاجار هم هست نریک را که چه عرض
کنم این‌جا گنتم شده که (یکی از نمایندگان - تریاک
نیاید ، بسیار خوب نیاید بنظر ایشان همان نیاید
صنایع استان را که نینشود مگر شش‌دس کامیاب‌یارد
مایک مرزی دارد مایک مرزی مایک گمراه دارد و یک‌دوم
کنم یکی از مقادیرهای و آن مقدر سیکار قاجار آن
مقدار تریاک قاجار این مقدار پارچه قاجار آن مقدار
اذکن قاجار آن مقدار مشروب قاجار آخر آقا اینها
از کجا می‌آید - آنوقت تا زمان ما جای‌های می‌خواهیم ما
بدهیم در بر سر می‌خوانند و بنده از آنکه ۵۸ هزار تاج
بدهیم در این بودجه‌ای که بنده می‌بینم این حقیقت چیست
میخورد آقا بنده یاد می‌آید بنده نیست بنده این را از یک
مسئولی شنیدم از یک تریوری شنیدم خود این شخص میگفت
که بنده پیش آقای نخست وزیر وقت بیروم جنباب
نخست وزیر بنظر فرمودند وزارت دارائی که آقا آن

دولت آموخته بود بیاید این جامیگت بمعاذ ۱۵ دقیقه ۱۵ دقیقه سفر آمدند بجای دوغرف که آقا مأمورین هوشم که اصاف فرمودند جناب نخستوزیر فرمودند که مأمورین بود کارهایشان را بکنند و زنگ زدند و گفتند که فوهه بیایید و جناب نخستوزیر احسان کردند که این سفر بیایید بیرون بکنند که شما را درید بکنی از آن ها گفت که ما شاهیدیم بودیم؛ مثال نهی بکنی با یک ما که با زیاد هر چند می ماند؛ بودیم و به نظر منطوری تهیه کنیم آقای نخستوزیر فرمودند تلغوری تهیه کنید که با مصالح قابل باشد در روز مناسبه آقای دکتر مجیدی امی را که گویند رئیس بود فرجه نخستوزیر هستند در روزنامه اطلاعات اطلاعات میخوانند خود ایشان ۸ روزنامه اطلاعات متن نطق مخالفین را چاپ نیکند متن معاصره ایشان را که مودت است چاپ کرده جناب دکتر مجیدی فرمودند که این مبلغی که ما در ایالت مستقیم زیاد کرده ایم منی ندادار یعنی عبارت ایشان را میخوانم تا اینکه متوجه که خدای نکرده تعریف شده است که در کمیسیون سرپرست دفتر بودیم میفرمایند اولاً این بودجه ۱۳۴۳ را ما در یک مجیستر عوام جلایانه تهیه کردیم این کله مسرع جلایانه نمایندگان از لحاظ حقوقی این بودجه را یک قدری شله بکنند یا نه و بعد هم فرمودند که این تجدید نظر یعنی ۱۹۰ میلیون که اضافه کردند (چون بود ۱۸۰ میلیون دلار یا تومان ازس آقایان از قهر با بدلا فرمودند و سلا سرور کار دارند ما راهم به عادت کرد دانند) اضافه شده است پس باید روی تصویب معما بیاید بچسلی و بنامید دولت که نتیوانیم مجری نشان بدهد پس اینجا گفته شد است خود این مقام رسمی میگوید که این تجدید نظر بالارین بودجه کمک کرده به تعادل بودجه از این نظر بود و در زمینه در آمد معا بسیار لازم بود چون در آمد در بودجه قلم خیلی معافله کارانه یعنی پیش شده بود دفتر دولت قلمی که بنده هم با آن مخالف بودم والا هم هستم تقریر آن بدیش بود بودجه بنده است که مقداری محافظه کاری کرده بودند میخواستند کبر پیدا کنند و این عمل محافظه کارانه را کرده اند و حالا که برای دولت امکان پذیر است که با سی و همت بیشتر در آمد های زیاد تر پیدا کند خود همتش را یک قدری زیادتر میکند و آن عقوبت محوری میجوید

جناب آقای میکده و بودجه فواد پدیا میگوید میخواند فرمایند که فاضل بودجه ۱۳۴۲ بالاردر خوب ما که در وی این هوای گرم نسبت ۱۲ کارگرمیگت بمشام نوی آن اطفاهای مجلل و زارت دارائی بودجه را می نویسد که من در چند اسان و تقویر این اطفا بقدری لوکس است که خدا میداند اتفاق خوب میماند که در اروپا و وادراطاق رئیس جهور آفر نکوهت آقای لاندتبرقی برده بود بوزارت دارائی دروزارت دارائی یعنی از این اطفا باقی ما هیش میل هایش نوشت افزار از فرام نحر بیرون اندازای لوکس است که من نمایانم این کارمند با حقوق ماهی ۹۰۰ تومان در منزلتی زده و ضمنی دارد (جاوید - من ایش بهتر است) من رفقی وارد اطفا این آقا قدم بدیدم که برفش که متری ۵ هزار تومان ارزش دارد در دو اطفاست و انداخته و مزیز هم خیلی از چیز خنده و امثالند بعد اطفا تر است و شده که من نوان پارسیه خاند همیشری خودم روی کلیم بنشینم در وضع این بودجه ۷۰۰۰۰ تومان ۱۰۰۰۰۰۰ تومان این بودجه احسان میکند حالا که تا اینجا رسیدیم عرض می کنم یکی از سیاستهای غلط اقتصادی ما اینست که بگرامان خودمان می دهیم اینها وقتی ما شین داشته باشیم همتنای یکبار با خود امانشان میروند و الاقل همتنای یکبار با خود امی بودیم هم میخوانند هر شب ما شین همیست این آقا فیکه ماهی ۷۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان حقوق دارد مگر حقوقش چند فرجه که ما شین بقدر برای او زمینه خرج می تراشید این چه سیاست اقتصادی است همین آقا فیکه در دارائی می باشد چون حسین در یک قسمت دوزیری می بگننند اما ۷۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان ما شین اندادند .

مثلاً یک کارگرمیگت بکارمندانی غیر از آن آقایان که در شین است و سازمان برآمده هستند و در تقیلات سازمان برآمده هستند کیفیت مبلغ را میگوید که در کانی که معاینین د میگردند در تقیض میبایست جواب داری است ضمنی میگوید که شوقشان نزدیک با رقم است شاید بنده اشتباه میکنم مغزنت میخوانم عرض کنم که در بودجه ساحبان نظر جناب فخر بیاطلبی مواردی را اشاره کرده بنده که این جواب همیگر تکرار کرد مراتب کم در این هوای داغ یعنی از آقایان هم با لیا سر می نشاندند بنده است در معنایم که پیش از این مزاح می شوم بنظر این بر میگردم مختصر عراج سازمانهای مسلکی عرض میکنم و ناچارم بگویم که این وزارتخانه های که بنده اشاره میکنم و وزارتخانه ساخته و پرداخته جناب منصور بود است سازمان معجوری بود

عده هستند اینجا اکثرشان ۳۰۰۰۰۰۰ تومان فرقی بیشتر ندارند که اگر تومانی دو ریال و با اگر بیاضاف باشند تومانی سه ریال در آمد داشته باشند می شود روزی ۳۰۰۰۰ تومان اصولاً اینجا هم از افراد این مملکت هستند بوضه آنها آنچه کنیز بد حال کنیزها بوضه کارمندان آنها هم بصورت زندهای توجیه میکنند . مثلاً کوی در معنای دولت در بوضه آید بویکی در چند سال اخیر برای معمله بوضه آید یا کوی بوضه آید بظاهر کارمندان دولت کالته اخیر اعمای دولت رجال دولت در اینجا ساکن هست خرج شده روی چه اساسی باشد باشد خرابان در کوی بوضه آید درست کردید که کوی مستخدمین ملت است و چند خایان در استانبول و شهرستانها (صحیح است) این یک نکته است که با بنده چون کرد با دادشتمالی برای هم میسر کند که کوی در بوضه آید در باره همین مطالب است که اگر فردی در کوی ایجاد کرد فرقی برای هیچ کارکنند و هیچ سرف نمیکنند بامهای امید تومانی حقوق کارکنند هیچ صرف نمیکنند بنده خودم در هیجده سال پیش یک ناله ای را مستفک بودم حالا هم هستم بنده فکر کردم که اگر کارمند دولت باشم چند میگردم استروز ۳/۳۰۰/۵۰۰/۵۰۰ تومان بود دیدم برای من دخلی نمیکنند چون در مملکت مقداری کار بود بنده کتابهایی را که از دولتی معزول باشم از آن کتابها را از مردم خایان نادری کتاب جلوی مغزهای در خرابان نادری روزی ۱۰/۱۰۰۰۰۰ تومان در آمد دایتم مگر بنده مرض داشتم که کارمند دولت بودم بنده کتابهای خود را که در روزی او خوی خریده بودم وقتی برآمدم بنده شدم بود و شورو بود این کتابها را با کله هم میخوانم هم در با اینک معما با این بوضه هستنم و واقعه از طرف ما حسن نیست زیاد بود است رفقه و اینهمه قدمهای اساسی که بر داشته شده است سیبب است هنوز آنها بر سر من نمانده اند و بر ادرین ۱۸ سال است اسیر آنها است علاوه اولاً درآمد این سجا پول هم نماندند است مخامم میگردند ولی فرقی ۳۰۰۰۰۰۰ تومان بوماران در زمانها فردی کتابها را بر سر مردم کردم کتابهای گفته خودم را برای خودم سرمایه تشکیل دادم روزی ۱۰۵ هزار تومان میگردم پس اگر شما ایجاد کار کنید ایجاد خایان از در خیابان را ببینید و با این اسراف ناس بگیرید، سحبت بکنید بفرمایند روزی ۳ یا ۴ یا ۵۰۰ تومان جمع فروری اینها است که فروخته شود فروسی چند فرجه و نگاه

عده چون گرفته اند (احتست) این حرف را بنده میخوانم از جناب تکرار کنم نغم مورد کم رحمتی و رضی آقایان فرار بگیرم و بنده به هیچ وجه فصدانم کسر را ناراحت کنم خواهید بخشید و با اجازه آقایان بنده یک قدری حاشیه میروم که ناچار آقای نخستوزیر شرف بیاروند اما حرف نعل است که حرف حرف خود را خواهد فرج و مع مخالف اینجامدکنم بنده الان میخوانم که حرف حرف خیزم از بنده تا آنجا نیست که حرفهای گذشته بخورم بنده اند خایز با ناست اولی این حرف و نعل این است که اگر توجیه بر نمایان چادروا شوی میباشی تبدیل بکن کارمندان می شود (صحیح است) و در بجا کارکننده میگردند یعنی این یک علت و معلول دارد آن این است که مثلاً سانه یا خوشبختانه اکثر بیافر اد تحصیل کرده کارمندان تشکیل میدهند و این بان عمنی است که ما با بخوانیم طبقه متوسط طبقه متوسط را در دست داشته باشیم و بنده طبقه کارمندان میکنیم و اینکده دست است کارمندان بیچاره است یعنی اگر بنده خوشتر یک تشکیل بدهم آن که دست است دست واحد است آن کدم دست است کارمندان شرکت نفت هستند آن که دست است رفکاران شهرداری است اینجا قدرنت است اکثر بخوانیم بقدرت مردم فیکه بکنیم اینجا قدرت است باید در اینجا قووق داشت و مقداری هم دست سروروشان کنید چون نیستیم نیست بیکارگی می که در نظر نیست لذاره صاحب قدرتی که آمده یک بخوانیم بودجه مملکت زده و یک مقداری سازمان تحصیل کرده اند کارمندان دولت هم ناراضی اند اولاً بنده با بعضی سر کنم در این مورد که عدد سرورخته بر علیه بنده طیان خواهند کرد ولی من سببتر را جاح کارمندان مدیق و شرف بود حشکت نیست و در این راجع بارها گفته شده دارند مملکت را مملکت کارمندان میکنند در مطوابع هم اگر هر روز گفته اند که اطلاع هتاهای یکبار گفته می شود که این مدعیان اصلاح فاشان تریه کارکنند را یکسان کنند فخرها را یکسان کنند و معالوه توجه بیشتر روی کارمندان است شما تشریف ببرید خیابان سپه خیابان سه راه طرنت و خیابان از در خیابان را ببینید و با این اسراف ناس بگیرید، سحبت بکنید بفرمایند روزی ۳ یا ۴ یا ۵۰۰ تومان جمع فروری اینها است که فروخته شود فروسی چند فرجه و نگاه

این چرخ فلکها گذاشته اند این بیجاها با ذوق و شوق نام
 چرخ فلکها را سوار برونند و دو ربال میدهند پس سیریم
 ما ز شهریاری است؛ کنگنه به حال که در راه است برایشان
 است باز هم تکرار یکجمله خدای من شهادت است اصلاً
 ندانم که این در کبره‌های کی هست و از خانواده کدام
 بهرامی‌ها است گفتند به دکتر بهرامی خود کرده آمدیم
 زمین و به هزار متری راهمانی را آذکار دادیم به ۶۰ م
 نفر و ما ۶ نفر که ما چرخ فلکی گذاشته بودیم هفتای
 یکم تیمه پداری ما یک بلطفیت آزمای می‌خواستند
 کرده که اگر از بلطفیت آزمای سر ما به خوب، دستگیران
 شد در تزیین و تکمیل اینکار بپریم بپریم خوب این مردم
 اینقدر در می‌فکند که حتی آقای دکتر بهرامی نامی که
 مردی غیر است. متوجه این کار می‌شود شهر داری هم باید
 می‌شود دولت هم باید متوجه بشود این میراث حسن است
 میراث ما است ما باید توجه داشته باشیم که هر صاحب
 هر امر تزیینی سراغ داریم این را برای خودمان محفوظ
 بداریم که برای مردم استفاده بشود مثلاً بنده شاد تواریس
 مختلف متنوع که در اصطلاح شهر داری و عواصم مزاحم
 است در این موضوع هم توجه کردیم و شهر داری
 عزیز را خواستارم راجع به دارائی فلماً آقایان هر چه
 چندانه دارند که از تزیین و از اسراف بخصوص که جناب
 آقای رستا او را در کینه به متلاشه‌شان است و کلاه‌های سنگی
 است، این دارائی را در همانجا اعلامیه می‌دهد و در اختیار
 انسان می‌گذارد که نه‌خای منهدک در آن هست (صحیح
 است) مثلاً یکسلف می‌بوسند ما به ۲۰۰ هزار ربال
 بدهیم بعد از جنومت دیگر ۳۰۰۰ ربال و هزار دوری، اما
 ۲۰۰ تومان ۲۰۰ تومان و سول و سول و سول و سول این چیزی را باید
 یک بلک تار بدهد ۳۰۰۰ تومان از دولتی توابع این است که
 اعلامیه‌های یا اعلامیه مالیاتی برای کسی می‌فرستد و رقم آن
 اقلاً از سید مسدود نکند از شخصی که می‌خواهد هزار
 تومان بگیرد بیش از ۲۰ هزار تومان اعلامیه بدهد
 چون وقتی می‌بوسد سه هزار تومان اگر نه هزار تومان
 گرفت خواه ناخواه ایجاد بطن من می‌کند (مرد شوری
 عرض کنم این راه‌های که می‌گوید بهتراست منشی صدور
 مد می‌نویسد وقتی بیش از دو تومان می‌دهد مثلاً
 ده هزار تومان بدهد حداقل این ملودی بویسند آقا
 چند رقم در عرض این بیست سال اخیر مالیات بر سر

کلان‌اندک شده تمدد کردیم اسم یاد مردم که خدای نکرده
 حمل بر این نبود که ما با بسی‌ها از خانواده‌ها سرش خدای نکرده
 ما چند نفر می‌بویسند داریم که برودند در مالیات بر سرشان
 هنوز هم که هنوز است جریان دارد و می‌داند که کله
 جریان اداری ملک تری سر به ای است بر افکامه‌ها
 بر آن لحاظ است که کاری در این ادارات بر میان‌بوی
 کند که ضعف شد مأمور دارائی مسلط بر او خواهد
 بود و اگر از اغنیای بود که آخرش هم بنظر به‌قول بنامه
 ها برسد این مالیات بر اثر هارم بزرگ که عایدت مملکت
 را تشکیل می‌دهد در این موزه‌ها توجه فرمائید مثل اینکه
 عریض شده‌اند تمام می‌شود یک کافزی در روز برای همه
 آقایان فرستاده این را تبلیغ است کم چند روز پیش آقای
 دکتر هنوردی در اینجا با شرح گفت که این را منسوب
 می‌توانی کرد بندهد بلافاصله از اینجا بپوشان می‌کنند با آهن‌آلات
 گنجه‌ها اینجاست نیست که می‌باید از یک شرکت خصوصی
 اسم برسد اما خود امروز دیدم که منم با بلایا این
 شرکت است بر من و متأسفانه این شرکت یک کافزی برای
 بنده نوشته است و می‌خواهد که خدای نکرده هیچ‌کس
 سوز نمیریزد این نامعرا شرکت بر این‌ها بنده فرستاده
 که بندهم روز هم خواهم متأسفانه درود عورت شرکت داشت
 صاحبان مسلم آنرا هم نمی‌شناخت می‌گوید روزی بنده
 سه تومان بدهید بولی هم که بندهد معده بد جایش او تمیل
 ۸۷ هزار تومان بدیدم ۸۷ هزار تومان از سید داری ۱۰
 تا ۱۳۰۰ تومان بدیدم بندهد اگر این واقعاً صادق است اگر
 واقعاً ما شایع لحاظ نمی‌کنیم در این روزها چون فرمائید
 یک شرکتی است سید سی ۵۰۰۰ یا بیشتر از آن ملودی که خود
 مدعی است با بکار آن ایرانی می‌دهند این پولی است که در
 ایران مصرف می‌شود البته من مخالف این هستم که می‌تواند
 بنام موزن زیر بار گرفتند که از هیچ درای می‌لویان
 ثروت شدند (صحیح است) بنده اینها را منکر نیستم بنده
 نمی‌خواهم اسم یاد مردم و این کار تاجری می‌کنند بنده نیست
 و در تمام ایران جز یک نفر بیشتر نیست اصلاً بیشتر از
 یک نفر نیست آن یک نفر که دارد بویاتی بویاتی هم چیزی را
 من تمام است می‌کند و سوز بزرگ کنایه مالیات بهر درآمد
 می‌دهد می‌شود خارج می‌شود بنده مخالف نیستم و اگر واقعاً
 مثلثت در مری می‌شود هزار تومان و در کل این کلینت سید
 دارد چند هم‌ش در این باره بنده یک کراهای از طبقه مناسبت

برای اینکه کار با کف‌خوابی نیست ملودی‌ها ملودی کار
 کردند که نامه بنامه نایب‌خان مجلس نوشته‌اند بنده
 فکر کردم که این از صفات است برای اینکه خیلی از
 کارها را جل جلی می‌شود متوجه چیست؟ و متناز فولکر
 را کین موزن را در موزن نام به بیخالی این موزن ما همه
 خانواده‌ای می‌شود خیلی خیلی فوری این بیچاره مثل
 اینکه بهنجاری کی افتاد (احتساح) (احتساح) راجع به
 آذربایجان اینجا با کساجه از جناب آقای خواجه‌نوری
 اگر لحاظ آذربایجان بیرون بلطاف آب و هوای آذربایجان
 یک کمی احساسات اینجا جایز است چون آفرین جناب
 آقای نخست‌وزیر فرمایند می‌فرمودند بنده فکر نمی‌کردم
 که بیست‌هزار دوازده احساسات بنده فرمودند که احساسات
 بر من شله کرده بهر سورت اگر بر بنده تبلیغ می‌کنند
 بخشد و اگر خدای نکرده فرقی بین این استان و سایر
 استان‌ها قائل باشم آذربایجان نامت شاست مال انبراس
 شده و زحمت کساجه جناب آقای خواجه‌نوری
 خواهم می‌کنم توجه فرمائید ما همان‌ها در درید و خواه
 ناخواه می‌شود و زجر کشیده یک ضمار از حرهای
 خاز دارد ازمان آنرا جلّه خاطر خوب ندارم یکغدار
 خود را کنترل خواهم کرد که خیلی تندروم آذربایجان
 جناب آقای نخست‌وزیر شوق‌الامه محرم است کشیده
 شوق‌الامه منم دیده در موزج حوادث فرار کرد تیریش کشید
 های شوری را بدست گرفتند این پیش از آمدن تاجری نامه
 دارد که تا چندین پیش اینجا هم کلمه متناز و متناز
 و قرب هندیگان آذربایجان و متنازهای آذربایجان و
 زخم دیده‌های آذربایجان عنوان شده هنوز هم زخم‌های
 است التیام نیافته هنوز هم آذربایجان آن عاشقی
 را که دارند و همیشه داشتند می‌سپاسی
 آذربایجان توجه خاص از نماند آذربایجان آب ندارد
 آذربایجان اصلاً یک سیه شدت سختی را که از یاد ما
 سرمدار آذربایجان مطبعت مملکت می‌باید بدیدم که بیایم
 اینجا با گوئی که چند درصد محصولات ازین رفته و چند
 درصد دام ازین رفته (صحیح است) تا مساله مملکتی
 بند و آبجا دادند در موزما هم با پروردیم ولی آهائی
 هم که فرستاده بود همه بعمل و بر سر کرج اختیار جاتی که
 می‌بایستی برسد نرسید و بیست افروز مورد نیاز نرسید

آنچه که داد در تمام آنها پیش شد اما در دوی ادرمان
 نکر آذربایجان آذربایجان آذربایجان از لحاظ علمای
 نوزاد اولی در لحاظ امنیت اجتماعی فوق‌العاده در
 لحنائی بوده که خیلی برایش گرام تمام شد امید وارم
 انشاء الله توجه فرمائید در مورد آذربایجان بنده گفت
 که اکنون که اول تابستان است شما باید گویند که
 آذربایجان هنوز نمانده در مقابل و در آذربایجان در معاصره
 برف خرابی راه هستند (صحیح است) بنده اینجا گفت
 که هتندروم آذربایجان انبار غله مملکت شاست کندم
 هتندروم مثل برنج مد سیاه شما در دنیا معروف است این
 هتندروم چند کیلومتر راه مالور ندارد (صحیح است)
 این هتندروم وضعی قرار گرفته که سالی پنج ماه در
 معاصره است (صحیح است) آقای بیکرکی اینجا
 بیانان بر شوری کشید راجع آذربایجان که شهر
 بنده هتندروم شستی کردی در این شهر با زنه‌ها
 به بعد در آذربایجان هم هتندروم است آنان بر آغوش
 یا تریس دیگر نمی‌تواند هم آهنگی که برای اینکه
 مسئول مقام کشوری است بنده خسته ندیم واقعاً ما
 خسته تبدلوی احساس می‌کنم از نگاه آقایان که احساس
 خستگی می‌فرمائید بیش از این مزاحم نان نشویم
 می‌تواند ما فقط مقام راست است این مزاحم که کردم
 در معضور و داشتند متوجه جناب نخست‌وزیر و هیأت
 دارم این مخالفت بنده در محل بر عرض شخصی نخواهند
 فرمود بر سر اول از اینکه بنده خودم مطلقاً را بر سر
 آذربایجان و آن وضع مأمورین در اینها است در این
 حوزان بعد که شاد در این سالان در روزهای بی‌بهره و باسیر
 وسائل امری هنوز نمی‌تواند با سود کمی بشیندوگرما
 شاداً واقعاً عاجز کرده این مأمورین شریف راه‌اندازی
 وسط این آفتاب سوزان (صحیح است) که باید بدید اینجا
 و دولت در این دنیا بی‌بازگشت می‌تواند بیرون اجرت
 آفتاب سوزان همه‌شان انجام خدمت می‌کنند ایسز
 مأمورین باید در این هوی گرم با تنوین بیایند گمان
 لاف‌آلبیستان و دلشان خنک بشود از سازمان آبیاری که
 دولت می‌تواند با بعضی کم هم کار می‌کند مملکت متشکر
 می‌شود سازمان آبیاری جز در کل جناب منصور است که

از آن تریف میکنم و آنرا تأیید میکنم باینکه همدس جوان رجال پرگار دست بدست هم داده اند و بسزگر کربن باز میومد را در چند سال اخیر بوجه آبرومندی اداره کرده اند مگر مأمکنر خدمت هشتین بندهمند درویشی که رفتن باذره تبلیغات با آقای معینان گتم که شا بدست نامندگان ما مشتر بنامی معینان هایتان را نشان داده اند و بخواه آن اشاق شخص خودشان راه نشان میدادند این دو بدویشانه نوما می کزدان مدیر کلی خودتان در ارا بودید نشان میدادید که با بداند با کله وزارت و دیواریس میگردند و سیل ما لون ومدیر کل را دروازه تبلیغات کزبان و فرقی اطفاخان را عوض نکردید میز اطفاخان را عوض نکردید و همان صبیبت هومان ارا در هومان ایمان و همان خودداری و همان خدمت بملکت را در اید ما هر جا خوب میاید علاوه دارم و میگوشم بسبب سرائری آقای خودمان است مقابل یکدیگانک فرارید نام می بوجه اسرافداریم و علاوه ندارم که دولت خودمان را تضعیف کنیم همچو چیزی نیست این دلیل رفته فکری ماست ایرانی اصولا بی رونق است ایرانی را با کنکور استما زده میشود مقایسه کرد ایرانی دمو کراسی ارا میرسنند حاد را اینها از دست هائی اگر کله داریم این کله بیو بو خودمان است صدق این است که اصلاح شود راجع بر ترقیهای اختصاصی اشاره فرمودند البته در سازمانهای مربوطه با سیوری گرا کتمنی باشد کله هست از سازمان آبیاری جناب آقای سرتن عزیز این سازمانیکه ثبت از جنابهای دولت بود و یک مؤسسه پنجمی هست برای زارین ، کله های فراوانی هست این مسئله آبیاری همه زارین را واقعاً اسیر کرده (صحیح است) امیدوارم انتاصافه تذکرات اولی و چه سا قیاس باشد و مورد توجه و عنایت خاص رئیس محترم دولت فخران بگردد و در سال آینده که درباره بوجه بنوامم صحبت بشود بکنم که سبب جالوتی آرمدم و در مجلس شغوا بیدم و بر مخالفت آن دروشش بخت جالوتی بیایم برای موافقت با بوجه دولت (احسن)

رئیس - آقایان مرتدی بعنوان موافق صحبت میفرمایند.

مرتضی - من خود نمیتوانم احساس بکنم که این بلند گوها کار میکنند بانه ۴ عمده ای ندانند گانه کلیمینند) آقای وزیر کارواری تشریف ندادند بنده

باشستی از فقدان يك چنین مرد خدمتگاری بعموم نمایندگان دولت و ملت صلیت میگویم (صحیح است) جناب زنها یفرودمنذا از قیافه های بسیار جادیدوست داشتی این مجلس هستند و من خیلی از ایشان متشکرم که در بیانتهای الهامی بفرهنگ غنای فرمودند که خارج از آن عالمی که فسادتم صحبت بکنم شاهای مرض خانها و آقایان نمایندگان متمر مجلس برسان ایشان را جمع انقلاب و راجع باینکه که انقلابی رخ داده بود ایشان هرگز نبشت این تریبون صحبت نکردند باین فرمودند بنده درست دیدم که این حقیقت نعتها بر ایشان سدف میکند بلکه بر بنده کفرتین هم مدق میکند و شاید درباره اغلب آقایان و خانها هم این مسئله صدق میکند که انقلاب ششم نبود مسلماً آنرا قیافه آنها و آثار قیافه که افراد بنوان نمایندند ملت در مجلس شورای ملی تشریف دارند حتی خوبان این را هم میدهند (سخن تربیت و خایبر ارسای در باره ما بیشتر صدق میکند) (صحیح است) این موضوع بنده را باین انگیزه انداخته که هر اضافی که رخ میدهد باشستی و مواضع ایشان کرده و وقت نمود بنده کاهی از اوقات علاوه دارم به وقت کردن در مطالب مسائل و زمانه درمیدارم در لواجم هم بنده علاوه بر آنچه لایه است رفت میکنم کاهی هم مورد شامت فرامیگردد و این را برای بنده بنده خصلت شده است موفق برکت مشروطیت و مطالعه میگردم میدم که چه فائدهای عظیم و چه خورهای یا کی برای بدست آوردن مشروطیت در این مملکت زبخته شده و این می میدم نتیجه ای که باشستی از مشروطیت واقفاً عاید ملت این بود و علاوه طوری که انتظار میرفت بنده بکشمین هم استادگر انا بیه آقایان ذکر شت در رادبو راجع به مشروطیت صحبت میکردند و بعد يك بیان مثبت و منفی از آنچه که در نتیجه انقلاب مشروطیت در این مدت است در رادبو فرات کردند و بنده هم مثل هزاران نفر دیگر مشتع این بیانات بودم ایشان خیلی سخی کرده بودند که يك بیان متضالی بدهند مثل دولتها که کوشش میکنند بوجه متشاور نویه کنند ولی حقیقتاً روح و قلب من نیول نیول کردم اینطور استنباط کردم که فایده بیان مثبت نیست این بود که بنده دنبال علت میکنم که بیببب چرا آن انقلاب اسبل و حقیقی شواسته است از زوایا ملت ایران

جلسه نود و سوم

مذاکرات مجلس شورای ملی

صفحه ۳۱

باشستی از فقدان يك چنین مرد خدمتگاری بعموم نمایندگان دولت و ملت صلیت میگویم (صحیح است) جناب زنها یفرودمنذا از قیافه های بسیار جادیدوست داشتی این مجلس هستند و من خیلی از ایشان متشکرم که در بیانتهای الهامی بفرهنگ غنای فرمودند که خارج از آن عالمی که فسادتم صحبت بکنم شاهای مرض خانها و آقایان نمایندگان متمر مجلس برسان ایشان را جمع انقلاب و راجع باینکه که انقلابی رخ داده بود ایشان هرگز نبشت این تریبون صحبت نکردند باین فرمودند بنده درست دیدم که این حقیقت نعتها بر ایشان سدف میکند بلکه بر بنده کفرتین هم مدق میکند و شاید درباره اغلب آقایان و خانها هم این مسئله صدق میکند که انقلاب ششم نبود مسلماً آنرا قیافه آنها و آثار قیافه که افراد بنوان نمایندند ملت در مجلس شورای ملی تشریف دارند حتی خوبان این را هم میدهند (سخن تربیت و خایبر ارسای در باره ما بیشتر صدق میکند) (صحیح است) این موضوع بنده را باین انگیزه انداخته که هر اضافی که رخ میدهد باشستی و مواضع ایشان کرده و وقت نمود بنده کاهی از اوقات علاوه دارم به وقت کردن در مطالب مسائل و زمانه درمیدارم در لواجم هم بنده علاوه بر آنچه لایه است رفت میکنم کاهی هم مورد شامت فرامیگردد و این را برای بنده بنده خصلت شده است موفق برکت مشروطیت و مطالعه میگردم میدم که چه فائدهای عظیم و چه خورهای یا کی برای بدست آوردن مشروطیت در این مملکت زبخته شده و این می میدم نتیجه ای که باشستی از مشروطیت واقفاً عاید ملت این بود و علاوه طوری که انتظار میرفت بنده بکشمین هم استادگر انا بیه آقایان ذکر شت در رادبو راجع به مشروطیت صحبت میکردند و بعد يك بیان مثبت و منفی از آنچه که در نتیجه انقلاب مشروطیت در این مدت است در رادبو فرات کردند و بنده هم مثل هزاران نفر دیگر مشتع این بیانات بودم ایشان خیلی سخی کرده بودند که يك بیان متضالی بدهند مثل دولتها که کوشش میکنند بوجه متشاور نویه کنند ولی حقیقتاً روح و قلب من نیول نیول کردم اینطور استنباط کردم که فایده بیان مثبت نیست این بود که بنده دنبال علت میکنم که بیببب چرا آن انقلاب اسبل و حقیقی شواسته است از زوایا ملت ایران

در ابوزات اصالت خودش بدست یابورد ، تا يك روزی سخی از سروران پایشختی بنده ، بندهما به ناهاری دعوت کرده بودم و بعد از رفتن دیگر البته متعجب ما سگین کرده بود و بنده هم در عده ای ایشان یکی از انقلابی فرنگی ما برفتم وقتی کارسن بزبان فرنگی با پیشخدمت ما بوی آمد و صورت غدارا بنم داد بنده دیدم که در صدر این لیست غذا نوشته شده است بوی است ، من از هر چه که کردم بوی جیست چیزی نفهمیدم درانی اینکه جفا این بویون جیست که بطبع بنده باشد فرض کنید مثل آبچکوت لافشیت با سس خورچنگه و از این چیزها از پیشخدمت خواهرن کرد و گفتم بنده بدانستم اسفند ما میکنم که بویگویی این بویون جیست ، بدهدای دست بدست کرد ، گفت بوی منی اسفند مرغ کتپس چرانوشته است آبرغ همین مطلب کوچک از طریق کتاهای مدعیان خیلی هم کک کرد زیرا این موضوع در همان اوان اتفاق افتاد که در راجع همین موضوع مشروطیت فکر میگردم ، بنده احساس کردم که با تغییر اسم اگر اجزا تغییر میدادند ماهیت عوض نمیشود ، همین رسیده کی یعنی وقت ازجز به کل است که انسان را غالباً يك خایبر و واقف و روشن میکند ، شاید بعضی از بدستنی پیش خودشان فکر میکنند که مشروطیت از چه چیز بدستنی باشد چه چیز اساس فکری است ولی حقیقتاً اینست که اگر شادامیر رسیدن بر این امر قطیل به حقیقت در آنچه که در قرآن آمده است وقت کشیده میشود ، این تریوس در آفتاب بزرگ و دروخانه های خروشان و ستاره و خنک خلیج می میرد به حقیقت محض با بخول مسهر که گفت :

محقق همان بیند اندر اید که خوبدرویان چین و چوگل من از همین مطلب کوچک توجه شده که چرا انقلاب مشروطیت ایران آناه نمائند و واقیبت توانست نتیجه درست بدهد ارایه ای یکسک عوض شد ولی اجزای عوض نشد و بنده اقدام به اساتل انقلاب ششم بمن از این نظر است که :
 ۱- بیبینم در اینجا تنها اس عوض نشد است بلکه اجزاء و ماهیت عوض شده است همین جهت که در اینجا بنیاسته اند همین قیافه زواریه ای که هیچکدام از انقلابهای هزاره قبل نیستند خودی و دلایل انقلاب است (صحیح است) اما بلک جنون مجلس با این اساتل انتشار میسرود که تمام مسائل ملکتی با کمال وقت و نهایت مرا ایت میدادند

رویدگی بود و بنده میخواهم خدمت دوست عزیزم عرض بکنم که مادر قزاقان ۱۰ ماه همین وظایف و انجام داده ام و همین ترتیب بنده همای قزاقی که گزارش انجام دادم مورد توجه و موافقه و تحقیق نماینده کابینه محترم قرار گرفت است بنابراین بنده بعنوان نماینده کابینه میگویم که ما آنچه را که وظیفه داشتیم تا آنجا که امکان بر ما بود داشت و حتی خارج از حدود امکان و وظایفی که داشتیم انجام داده ایم (صحیح است) مطلب دیگری که باز در اینجا اشاره درود می بینم و بنده بعنوان ابریزند و قزاقی است و بر آن عرض می کنم اینست که بنده در یک موقع دیگر هم بنده سببش عرض کردم که ایباتی نمی فایده می بیند کوفتی ما از دوره برودت علیحضرت رضاشاه قزاقان را چنانچه یک یاد می کنیم و مشاهیر نام نولات این ملک را در دوران حکومت آن سردار بزرگ بشمار می آوریم این هیچ ولی نیست که ما نریزایان که در دوران علیحضرت محمد رضا شاه متعلقان ایران شده است فراموش کنیم (احسن) بنده شوق مطالعه میگویم و وقایع میگویم که اینها را می بینم که باستانی اسناد که در آن ۲۲ سال سلطنت شاهنشاه بزرگ آن دوره حوادث هولناک به این ملک حمله و هجوم آورده که سرباز آن در آن زمان ۱۹۹۹ و ۱۹۸۰ شرکت کرده اکثریت شما نمایندگان همسر سال ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ را می بیند و من تصور میگویم که نشود گفت آن دقایق تاریخ که در این در دقایق تاریخ ۱۹۹۹ که داشت اما اگر گفتن دوست انجام برنامه ها با دوره علیحضرت قزاق نغزات دارد این یک امر طبیعی است برای اینکه چرخ زمانایبند سریع میگردد که شرایط هر زمان با شرایط زمان دیگر متفاوت است یک شرایطی که امروز می بیند پیشرفت اقتصاد مملکت ضرورت پیدا می کند بشرایطی که دیسال بعد پیدا خواهد کرد ممکن است که زمین یا آسمان ناراحت نشود (صحیح است) اگر کارکنان که در آن تاریخ به معنای سیاستمداران انجام شده است سنوان تعطله سیاسی خلاف آن، در این تاریخ بحساب می آوریم پس باید که شکر خدا قبول کنیم و اگر نکو کنیم چون علیحضرت قزاق در آن زمان را با عوارض قندوشکی ساختند استعراضی نکردند ماچرا استعراضی می کنیم بنده اینست که میگویم چون در دوره علیحضرت رضاشاه اصلاحات انجام می دادند و اینها را تمام کرده است ما شاید آن زمان آن اقتصاد داشت و این زمان این اقتصاد دارد

کنند این حقیقتی است روشن حقیقتی است ظاهر دین و اعتقاد بنده این است که امر قزاق یک مسئله اقتصادی است و هر موضوعی باید با صلاح خوش بآن مبارزه کرد و بنده بر خلاف عقیده بعضی از آقایان نمایندگان متعقد نیستم که دستگاههای مبارزه با قزاقیان کافی نیست برای اینکه اگر این نسخه قدیم بشما بنفش بود هر روز در زوایان نمی نوشتند که قزاق مقدار قزاق گرفته شده (یکی از نمایندگان - کمال صبح است) بعضی وقتها بعضی اظهار نظر میفرمایند که مسئله مبارزه با قزاقان ۲۰۰۰ و قزاق قزاق گرفته است این اسباب تقاضای نیست این نشانه اینست که ۵۰۰ قسره قزاق شده است مثل اینکه شهرهای میگوید که در ماه گذشته ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر کرم قرمز را به شهربانی وقتی اقتضات است که بگوید در ماه گذشته چیزی دویز اتفاق نیافتاده والا ۱۰۰۰ دزد گرفتن این نشانه ای است از وقوع هزار سرقه بهر حال قزاق یک امر اقتصادی است و بنده من باید با میگویم که قزاق در این مبارزه کرد که شرم می بینمش آقای فولادوند تقدیم میگویم علاج کردم زده کشته کردم بود - می زده را هم به می دارد و مرهم بود در این خصوص دیگر صحبت نمیکنم مطلق دیگر آقایان نمایندگان اشاره کردند و بنده من قبل از این گفت و عرض کردی خوشفانی بود که بنده من خواستار بنفشانی و نیزه شینهاد کسولی با توجهی که جناب نخست وزیر فرمودند منصرف شدم انتفاضا بپوشده شان و قیام میکنند و آن عراکت از این است که سازمان برنامه و رشک ملی نفت مبارک آردارباشان در تهران قرار گرفته، بپوشده سازمان برنامه برای برنامه سوم ۲۰۰۰ میلیارد ریال است و اینها متناقض بود ملت ایران است آنچه راهم که رشک ملی نفت بدست می آورد و خرج می کند و وجود اینکه از منطقه خوزستان بدست می آورد ولی بشما کافی میگویم باید بسیاری تمام ملت ایران خرج بشود اگر اندک و سبب متلاطم این میشود باستانی نامت مملکت بهره مند بشوند ولی آمدن هر مرکز رشک ملی نفت به تهران من کریت سازمان برنامه در تهران باعث شده است تمام این بپوشده با لافله همدستان از طریق بیما تکراری بسررفت میرسد و به اغیزه اینکه قراردادها در تهران منقد میشود مالیات بر درآمد هم در تهران رسوای

شود عوارضی نمی بینی ۱۵ صد شهرداری هر قدر تهران گرفته بود و شهرداری تهران را پرداخت می شود که ای وقت اقتضای است که عملاً شهرداریهای محل، شهرداری تهران باج بدینده خواهد گفت چطور؟ فرض بنفرمانند نومان ۵۰۰ در صد این پول را شهرداری اموال از محل عوارضی که از اهالی اهواز گرفته است من میزداد ولی چون ما بشارت کار با سازمان برنامه است بیانشان در هم کرد فراردهای اهواز بیشتر از اوله کشته دارد ۲۲ میلیون یعنی از آن ۲۲ میلیون تومان که شهرداری اهواز پرداخت کرده ۱۵ درصد از مالیات بر درآمد را بعنوان عوارض شهرداری میدهد به شهرداری تهران این معنی است اینست که شهرداریها در اهواز بهتر از تهران میباشند ۱۵ میلیون دلار برای شهر بندر عباس استعراض می شود بسیار عمل خوبی است ولی تحقیق بنفرمانند بپوشده از او تومنه بندری شهر بندر عباس می بایستی بپوشده شهرداری تومنه پیدا کند و شهرداری بندر بهر متناسب با بندر تومنه باشد بپوشده بپوشد بسیار ولی این ۱۵ میلیون دلار چون در تهران فراردهای متعقد می شود یک ششای بهتر عیار نیمه بدنه عرض میگویم که عوارض شهرداری متعلق باین بندر را باید به بندر عباس بدینده (صحیح است) این مسأله ای بود که بنده بیانش را تمام کردم از دوست عزیزم آقای زنگبار فرمود است آنچه که راجع بپوشده با بپوشده عرض میفرمائید ملاحظه و مطالعه منقد تمامه که استعراض می شود بپوشده که کمیسیون بپوشده تشکیل و نیزه های که از این بپوشده تقدیم می شود بپوشده است و بعضی بنده مانند کان محترم آن را فراتر از این متعقد آن کماهی حاصل فرمودند که هر ناطق معاوضه را از دروودر ماهیت و کیفیت بپوشده تقدیمی دولت مستعفی و می بایست من سازد زیرهاه توجه و تقبیری را که بنده در این زمینه عرض میباشم مانند کان محترم بر ما سلام فرماید بآن درجه از اهلیت و جامعیت که در عنوان مقدمه مذکور افتاده است نخواهد بود.

مهاظور که در این در مقدمه لایحه تقدیمی مذکور کرده من هیچ شک نیست بپوشده آئینه تمام نامی فعالیت اهواز و سایر اقسام و ریسی و ادارات هر مملکت

است و باصلاحه بودجه است که میتوان از میزان رشد و توسعه اقتصادی و تلاش‌های يك ملت که در امور مختلف مملکتی اطمینان حاصل نمود .

مجلس دولتی در تنظیم بودجه تقدیمی امروز بعنوان لایحه اصلاح بودجه سال جاری مورد شور و بحث مجلس محترم شورای ملی است. صورتی که این کربنده که به مجلس تقدیمی حتی امکان و ضرورت ندارد بودجه‌های گذشته مطابق واقعی موهومی که از بودجه انتظار می‌رود فراتر رود و هر ناامنی بتواند بایاتک، سلسله بی‌پایانی در راه مملکتی که را که از هزینه‌های مختلف وزارتخانه مختلف و تصویب می‌گردد ملاحظه کند و هر هزینه‌های مرسومه از جمله این اعتبارات را در هر یک از اشرفین مختلف مملکت مشاهده نماید و هیچ فعالیتی که در برابر سایر ابعاد همگانی در کشور بعمل می‌آید بی‌خارج چهارچوب بودجه بودجه نباشد .

در این اقدام بدیع و بی‌سابقه و بی‌پایان لایحه که در راه افتتاح مکتب تازه تنظیم بودجه آمده است شایسته کتیم (صحیح است) و این کار بزرگ را در هر چند نامردم و زمین‌شود بودجه‌های گذشته را مورد مطالعه فراداده بود و زمین‌شود در بودجه سال ۱۳۲۸ به تیر ۲۶ فروردین نمود که ملی آن برای اولین بار دولتی را موظف نموده است فعالیت‌های اقتصادی مؤسسات وابسته بدولت را بعنوان ضمیمه بودجه مملکتی سازمان دهد و در حقیقت مجلس شورای ملی در همان تاریخ خود متوجه این تقصیر بزرگ در راه بودجه بودی مملکت شده بود و خودمختاری دستگاه‌های اقتصادی وابسته بدولت را بدون نظارت مجلسی که بنگانه مرجع نظارت بر یک‌داده و انحصار هزینه‌های کشور است که موسسات خاص است (صحیح است) بنامید در آن تاریخ تنظیم بودجه کشور کشتی نجات مجلس در دخل و خرج کلی مملکتی چنین انگیزه‌ای را با وجود آورد و دولتی در حقیقت در بودجه فعلی نه تنها با این مقصود اساسا توجه لازم معطوف کردیم در دولت واقعی مجلس شورای ایران را به لایحه مالی و اقتصادی مملکت امکان پذیر ساخته بلکه با متمایز از روی بودجه بندشی بر نامهای وابسته بندشی و تنگ‌کن و تجزیه و رعایت اولویت درآمدها و هزینه‌ها ، بیک نمودار کلی از جمیع فعالیت‌های اقتصادی مؤثر در کشور مختلف مملکت را در برابر مردم کار بردند و نامیدی میسازد (صحیح است) این مسئله بقدری من خالصی هم

و ایجاد انقلاب حقیقی در کلیه شئون اجتماعی مملکت بود و از آن اصول هفتگانه انقلاب شاه و ملت است نظامی موجه و عقلانی است و همین امر دلیل باری بر اعتقاد قابل رئیس دولت بقدرت خلاقه ملی و نیروی عظیم ملت است و اگر متوان فردین بود خواه داد را در برابر بی‌طرف مملکت آورد آمل ملی تجهیز و در مسیر اقدامات دولتی بحرکت در آورد توفیق هر دولتی را در رسیدن منظور غائی خدمتگزار می‌کند اگر اجاری صحیح و عقیق بر نامه‌های انقلاب ملت ایران است در مقابل تردید بی‌طرفان خواهد داد و در برابر بی‌طرفان است بد منظور جلب توجه مردم و انصاف میل باطنی آسان به‌کار می‌آید و مسامحت دستگد اجرائی مملکت باید در تحکم ملی با ایشاد عمومی نسبت بدولت کوشش و صحبت است . متفانانه باید با همکاران احرار اظهار داشته‌اند (صحیح است) تحسیر آلمان نمود که دولتها هرگز از اعتماد نام ملت برخوردار نبوده‌اند و اگر اجاری بر نامه‌های لازم منظور تسریع رفته اقتصادی اجتماعی مملکتی کشیدنی است و ساله نمود در همین فصلت‌های لازم که بزرگواران ایران آن را با بستی در همین عدم اعتماد حسنجو کرد . این تقصیر بزرگ که در ترکیب اجتماعی و جدایی بی‌ملت و دولتها که از کار کنایه بزرگ و زیاده لایغر فدا نامی افروخته این کاند هواره موجه دولتها است . زیرا تصور نمیکند هیچ ملتی بیای ملت ایران دارای خاصیت نژادی و سنن باستانی در راه تلاش بیشتر برای پیشرفت و ترقی و تعالی باشد و این دولتها بوماند که با بیبری از تشنه یقونان باطنیهم بی‌سالیس فی قلوبهم پایه های کاخ اعتماد مردم را متزلزل ساخته‌اند .

جناب آقای خفایه‌نوروزی در سرفری کاخیر آبیخوشان نموده بود عدم اعتماد از بازیگان گانسان را واردات کند و تسریع و از اینکه تاکنون در اجاری یک نفر نامهای متحرک اقتصادی دولتی از جناب شرکت نسیف‌اند شانت نمود با کمال تأسف گفتند که مرگستان آر و کها که خوزستان باوروش تشکی کانیانیه فراموش کرده‌اید ما چگونه می‌توانیم بملات اعتماد کتیم و سرمایه‌های خود را بخطر بیندازیم بی‌اطمینان می‌فرمایند که در حال دولتها چگونه نس مهللان اقتصادی را در اعتماد قلب و تسوج حسد و جان مردم رسوخ داده و نامزانی که این عدم اعتماد ها جای خود را به افتخار و ایامینان نداده است چگونه می‌توان

در اجاری ، بر نامه‌های رونق اقتصادی که با بستی با سره‌ایه گذارهای خصوصی مراحل نشو و نماي خود را آغاز و برانجام برساند اعتبار خود بود و این دولت ها هستند که می‌توانند با کردار و رفتار خود اعتماد عمومی را جلب و بر آن را از خود سلب نمایند .

من بر رئیس محترم دولت از صمیم قلب تیریک می‌گویم که با این حقیقت باطنی هر چه گمانی مینبول داشته‌بود طریق سهل‌ساده و درعین حال نامرئض در راه این بی‌بازی را تشویق کرده‌اند و آنرا جلب اعتماد عمومی از طریق اجرائی درست و بموقع موابهت دولت است آفرین بر شما که در خلال چندماه زمامداری این راه را که به‌جاس و ملت ایران وعده دادید انجام دادید و اینا رویه مرضیه‌خاک متزلزل اعتماد عمومی را با بستی و اتواری و بنیادیناسی مثبت و محکم تبدیل خواهید نمود (صحیح است) نمایندگان محترم، تنظیم بودجه‌ای بدین حیثیت و ایجاد انقلاب در تنظیم و تهیه بودجه‌ها باعث بمشکلات آن‌قاری کوچک‌ترین ابعت نیست بخصوص که دولت با تصویب بودجه سال ۱۳۴۳ حقیقت از نظر مالی بی‌بازی تهیه لایحه اصلاح بودجه داشته است و ملاحظه میشود که اقدام بدین جنمعی بزرگ‌دهد زوای کما بر سرفری در اجاری نه‌ایست که هنگام تصویب بودجه‌ایمان آن‌روید بسکند مقصدن مجلس شورای ملی متعهد گردید و از این راه بزرگترین قدم در راه جلب اعتماد عمومی که لازمه توفیق خدمتگزارای دولت است برداشته شده‌است .

مندانم رایشه با تسوجی برای جلب اعتماد عمومی میدانم که در زمان با طبقات مختلف مردم تماس داشته‌ام . میدانم که این اعتماد چیزی جز برای انجام کارهای دولتهاست و همین انجام دادن موابهت دولت در موقع خوش می‌تواند پایگاهی اعتماد را در این مملکت محکم بسازد (صحیح است) .

من مطمئن هستم که نوموم نمایندگان محترم اعتماد راسته را در ند که اصول هفتگانه انقلاب شاه و ملت که موجود است حول نظر در تمام شئون اجتماعی ما کرده‌اند خواهد کردید بگمانی ریشه اقتصادی دارند بنده‌ای برای جلوگیری از تزلزل قلب مردم و از درج قضایان این ماهه می‌نیموم بر آنرا که مقتدم که تمام نمایندگان محترم این اعتماد را برانجام داده‌اند که تمام این موارد ریشه اقتصادی دارند و دولتی کاممؤرد و موظف به پاسداری بحقیقت بخشیدن ابعاد متمم انقلاب

است. بدستی این حقیقت دارد که در همین دلیل است که زئوس اساسی و خلوط اصلی برنامه دولت بهر مورد انگیز بود. اما هفت اقتصادی دویزیم نقد تمام لایحه کوشتن دولت مصروف به تفرک بیشتر اقتصادی و بهر بهر ازاری از بیروی های مادی و معنوی ملت است و نزدیک نیست که در بیان بر داری صحیح از تمام منابع اقتصادی مملکت بهره برداری باین اهداف مقصدی با یستیم. ما همگی جامع و تکلیفی در تمام شئون اقتصادی مملکت فراهم کرد تا بتوانیم کلیه ظرفیهای اقتصادی و نیروی های مادی و معنوی مملکت را به یسواران همس در طریقی تقسوت و تکسیدیکر تجهیز نمود زیرا بیوسکی و در رابطه با کسستن امور اقتصادی در شئون و جهات مختلف حکم میکند که مدیر اقتصادی مملکت با روشن بینی تمام اثر هر یک از این عوامل اقتصادی را در مملکت و موقعیت خود ارزیابی کند و برای هر اقدام فراخور تأثیر آن در اقتصاد کلی مملکت محل و موضعی در نظر بگیرد و انجام این مقصود جز در سایه تنظیم بایودجه جامع و کلان و همه جانبه که حاوی و شامل کلیه امکانات اقتصادی مملکت باشد میسر نیست. بنابراین در رابطه با موضوعی که انگیزه زئوس در تنظیم و تقدیم لایحه بود بدستی بیروی از یک فکر درست و بیروزی اقتصادی نوین مملکت منطبق با مقتیاجات ناشیه از انقلاب شاه و ملت است و بهمین دلیل است که من به هم خود از دولتی که درست فکر میکند و درست عمل می نماید پشتیبانی و دفاع مینمایم (احسن).

توسیع و تفریح در دو موارد بودجه و احیاناً دفاع دو سراسر تنقیداتی که همیشه آمده بر همه دولت و مسئولین کمسیون بودجه است و من بهیچوجه قصد ورود در این مبحث را هنگامی که سخن در مورد این کلیات بودجه میروم ندارم ولی از نظر کلی بخشی از رد و امحاءای بودجه در قسمت عملیات عمرانی و بر برنامه های وام هائی تشکیل میدهد که به یوجب این لایحه دولت تحصیل آهار استجازه مینماید به مواجده نمودن که عددهای از همکاران محترم در این مورد گفت و شنودی دارند و آخانیان مخالفین تنقیداتی نمودند. منتقد بنده این است که وام در نفس خود وی حد ذاته ماهیهای نیست که مستحسن باشد یا مستحسن بلکه این شرایط و کیفیت مصرف است که ممکن است با تمامی ارقام بدینتر بهمال

مملکت با وام گرفته سازد (احسن - کامل صلیح است) چگونه است که تحصیل وام برای یک واحد اقتصادی فردی و شخصی بر این طرح بر نامه درست مجاز و معیاست ولی دولت که مظهر مجموعه تمام پرداختهای اقتصادی و نماینده کلی امکانات مادی و نیروی انسانی یک مملکت است مجاز نیست برای ایجاد تحریک بیشتر در امور اقتصادی و امکان بهر برداری سریع از منابع ثروت کشور. با مطالعه واقفیت نامور در نظر گرفتن شرایط ساده ساز منابع داخلی و خارجی تحصیل وام و اعتبارات بسیار. حتی در قانون اساسی و متون آن با وجود بدو حکمی که این قوانین تدوین گردیده و ثابت باینکه هیچ یک مبادر نمیکردند مگر آنکه تحت تأثیر آن تصفیر زمانی خود باشند یا استقرار مسدود نگردیدند و تفویض کنندگان قانون اساسی که در آن هنگام اثرات شوم تحصیل قرضه های سیاسی را احساس می نمودند با کامل روشن بینی استقرانی در کار اسراس مطالعه درست شرایط صحیح متضمن تأمین سادتهای ملت ابر این باشد مجاز دانسته اند (صحیح است) من باینکه بعد از این عملیات در تمامه سیاسی منصفانه و بیطرفانه اعلام می نمایم که دوران تحصیل قرضه های سیاسی بمنظور مقاصد خیر عامی گردید (صحیح است) امروز کشور باستانی ایران تحت رهبری و پیشوایی خردمدانها شاهنشاه بزرگوار مادر عرصه سیاست جهان آنچنان از موقعیت ثبات سیاسی و اقتصادی برخوردار است و روابط ما با دیگر ملل جهان اضمحلال و کوچک آید آنچنان بر پایه احترام متقابل و حقوق متداری استوار می باشد که هر گونه استقرانی جز جنبه اقتصادی نیست نخواهد توانست اثری دیگر در شئون حیاتیات سیاسی مملکت ما داشته باشد (صحیح است) بنابر این هیچ تکررانی فنادرم اگر برای تحریک اقتصادی در مملکت استقرانی نکنیم (کامل صلیح است)

و با توجه باین حقیقت محض از تغل سلیم دولت است کدر عرصه مسابقه ای که بین کاروان ملت ما بسوی ترقی و تعالی در جریان است دستدرستی دست گذارده و تماشاچی بود و از امکانات مالی و اقتصادی و نیروی انسانی مملکت برای تلاش بیشتر و بهره افزونی نرس استفاده نمود. بیوسکی زئوس نیرسان شقوق مختلف فعالیت های اقتصادی و خویشگی آنها یکدیگر حکم میکند که از زیایان بازده سرمایه گذاری در دیگر شته خاص صرف نظر نمود بلکه اثر آنرا در اقتصاد ملی جستجو کرد. ساختن یکجا دستر سازی اسفالت که با استقرار این پیشتر و شاد بود در حد خود تواند یک بیان

مثبت و گویا از بازده سرمایه بهره رفته در آن ارائه نماید. ولی وقتی اثرات آن را در اقتصاد ملی مورد دقت و مطالعه قرار دهیم (احسن) و صرفه جوئیها بیکه از نظر سوخت و اشتغال ماشینها، کمیونیه و افزایش قدرت بازگاری آنها به تناسب زمان در نظر بگیریم خواهیم دید بهر غیر مستقیم نفی که نباید مملکت گردیده بهر مراتب بیشتر از اسل و فرغ وامی است که ما استقرار آن گردید (احسن) و تحصیل چنین اعتباراتی بر پایه اقتصاد پیشرفته می بریزی شده باشد خدمت بزرگ محسوب خواهد شد. (صحیح است) هم اکنون عملیات در نتیجه استحصال وام از منابع خارجی صورت گرفته و با وجودیکه هنوز بهرحله بهره براری نرسیده اند عظمت آن طرحها و اثرات مثبت آنها در اقتصاد آینده مملکت بسیار و ظاهر است. ایجاد سند عظیم محمد در شاهنامه بر رود و در تلاش شیانه روزی برای ایجاد کنادوژی در خوزستان و تجدید مجدد عظمت گذشته ای استان بر پایه اقتصاد کنادوژی از جمله نتایج است که از یک وام حساب شده و منتفی تصیب ملت ایران گردیده (صحیح است) و حیث است که از ثبات سیاسی و اقتصادی مملکت که در پناه آداب و کیاست شاهنشاه بضموس در منطقه حساس خاور میانه نصیب ملت ایران گردیده و امکانات وسیع اقتصادی که از شرق و غرب در اختیار دولت بزرگوار ایران گذارده میشود استفاده نکنیم تنها مطلبی بزرگ خود همواره مورد توجه و عنایت قرار گیرد. دولت های کاک پروژده کیفیت بهر طرف رساندن وام و شرایط

اقتصادی آنها است (صحیح است) تبصره های منتهی به لایحه بودجه که از نظر تفصیر حقوقی تنها قسمت لایحه بودجه است کمسیون قانونی دار داری ملی و مستند با بقاع است و در امر کار بودجه نویسی همواره جاری بود و قبول بود است و در تفصیر کیفیت این تبصره ها که از طرف اساتید علمایه اقتصاد و بعد آمده تصریح شده است و بنده در کتابهای مختلف دیده ام و ما اسراس همان کتابها است که در اینجا با صلاط اظهار می کنیم و اگر یک روزی بخواهد بنده عین کتابها را که در علمای علوم مالی نوشته اند و ملاک کار ما است در دستر نمایان کند بهتر میگذارد که تبصره های قانونی منتهی بایودجه شامل مسائل مختلف و حتی اجازه تحصیل وام می باشد.

من باین حال در بودجه ۱۳۳۳ یا ده تبصره در بودجه ۱۳۳۳ - ۱۷ تبصره و در بودجه ۱۳۳۴ - ۲۵ تبصره ششمه اولی بودجه منظور گردید است و بنابر این وجود تبصره های ششمه لایحه تقدیمی دولت که هر یک در شان و محل خود ایجاد امکان فعالیت تازه و با رفیع مشکلی از امور مملکتی را مینماید مستحسن و پیشنهاد میشد (صحیح است). عرایضی خردوم را در کلیات خانم می دم و از نمایندگان محترم که حوصله فرمودند و عرایض بنده را شناسان فرمودند تشکر میکنم (احسن).

زئوس - با اجازه خانها آقایان جلسه را تعطیل میکنم جلسه آینده ساعت ۹ بعد از ظهر امروز خواهد بود و آقای امید صحبت خواهند کرد.

(جلسه ساعت بازده ۵ و ۵ دقیقه ختم شد)

زئوس مجلس شورای ملی - بهرمنش عبدالله رضایی

نموده بو
تذوق
های